

اولویت رویکرد تشویق در تعلیم و تربیت بر اساس تقدیم و تأخیرهای لفظی قرآن و ارائه روش‌های قرآنی برای تحقق آن در آموزش و پرورش رسمی و عمومی کشور

دکتر محمدهادی امین‌ناجی***

دکتر عبدالهادی فقهی‌زاده**

نصیرالدین جوادی**

دکتر علیرضا دل‌افکار*

چکیده

هدف این پژوهش دستیابی به دیدگاه اسلام در مورد اولویت رویکرد تشویق یا تنبیه در تعلیم و تربیت، و ارائه روش‌های قرآنی برای تحقق نظر قرآن و بکارگیری آن در دوره‌های رسمی و عمومی کشور، جهت آسان‌سازی فرایند تربیت و اثربخشی بیشتر به آموزه‌های تربیتی و توسعه به روش کیفی و به شیوه توصیفی-تحلیلی صورت گرفته است. جامعه تحلیلی، متن قرآن کریم، و نمونه تحلیلی تمامی آیاتی است که دو واژه بشارت و انذار در کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند. تجزیه و تحلیل اطلاعات همزمان با فرایند جمع‌آوری داده‌ها به صورت مستمر و پیوسته با استفاده از دسته‌بندی، طبقه‌بندی، کدگذاری و تعبیر و تفسیر انجام شد. یافته‌های حاصله در راستای هدف اول حاکی از این است که قرآن کریم با اولویت دادن به بشارت، تشویق را در اولویت قرار داده است. برای تبیین و تحلیل چگونگی دستیابی به این هدف، به بیان پیوند ذهن با گفتار، هدفمندی گفتار، کاربرد تقدیم و تأخیر در برداشته‌های دقیق از آیات، بهره‌گیری معصومین(ع) از تقدیم و تأخیرات قرآنی برای تعیین دقیق اولویت‌های اسلامی به‌عنوان مبانی حجیت تقدیم و تأخیرات قرآنی و تقدیم بشارت بر انذار در قرآن کریم پرداخته شده است. همین‌طور روش‌های تشویقی (کلامی، مادی، عاطفی، و ارزشی) استخراج شده از متن قرآن عبارتند از: تحسین، ابراز رضایتمندی، دعا، تحریض، بیان کارهای نیک، درود، و وعده دادن از جمله روش‌های کلامی؛ محبت ورزی، و کرامت بخشی از روش‌های عاطفی، و در نظر گرفتن جایگاه ویژه، و ابراز رضایت از جمله روش‌های ارزشی است که این پژوهش بدان دست یافته است.

واژگان کلیدی: تشویق، تعلیم و تربیت، تقدیم و تأخیر، روش‌های تشویق، قرآن کریم.

□ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۱/۱۹

□ تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۲/۲۷

* نویسنده مسئول: دانشیار علوم قرآن و حدیث، دانشگاه پیام نور واحد جنوب، تهران، ایران delafkar@pnu.ac.ir
 ** دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث. دانشگاه پیام نور واحد جنوب، تهران، ایران nasirodin.javadi@gmail.com
 *** استاد علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه تهران، ایران faghhezad@tu.ac.ir
 **** دانشیار علوم قرآن و حدیث، دانشگاه پیام نور واحد جنوب، تهران، ایران aminnaji@pnu.ac.ir

بهترین روش برای دستیابی به اصول و روش‌های تربیت اسلامی مراجعه به قرآن کریم به‌عنوان راهنما و کتاب تربیت و هدایت بشر در همه زمانها و مکانها و برای همه سطوح و همه انسانها، و استخراج مفاهیم، اصول و مبانی، الزامات، مقدمات، و موانع تربیتی از این منبع اصیل اسلامی و معجز جاوید پیامبر اکرم(ص) می‌باشد؛ که به صورت کاملاً نظام‌مند و سیستماتیک در آیات قرآن بیان شده است. یکی از مواردی که به وضوح از آیات قرآن می‌توان استخراج نمود، غلبه رحمت خداوند بر غضب اوست که در تمامی مراحل تربیت قرآنی مشهود است و به اشکال مختلف در آیات بسیاری رخ می‌نماید. از جمله آنها اولویت بشارت بر انداز در آیات مختلف قرآن کریم است که به طرق مختلف قابل اثبات است. تشویق و تنبیه که در لسان قرآن با عنوان بشارت و انداز از آنها یاد شده، دو اصل اساسی تربیت و از لایه‌های بنیادین آن می‌باشد. تبشیر به پرورش فضایل مدد می‌رساند و انداز به کاهش رذایل. تشویق برای تقویت رفتار مطلوب به‌کار می‌رود و تنبیه برای تضعیف و از بین بردن رفتار ناپسند و غیرمطلوب، و نیز برای آگاه ساختن متربی از غیرقابل قبول بودن رفتارش طبق موازین تربیتی و اجتماعی. روشن است که این دو روش باید درست و به موقع به‌کار گرفته شوند تا بتوانند نقش تربیتی خود را به درستی ایفا نمایند. تشویق و تنبیه علم و هنر انگیختن و بازداشتن است که در میدان عمل به شناخت، محبت، ظرافت و دقتی طبیبانه نیاز دارد تا نقش خود را در تربیت به درستی ایفا نماید(ممتحن، ۱۳۹۱).

قرآن کریم به‌عنوان کتاب هدایت، به نیکویی این دو اصل را به روش بشارت و انداز به‌کار گرفته است. با بررسی دقیق رسالت پیامبران الهی نیز این حقیقت به دست می‌آید که آنها با استفاده از انداز و تبشیر اعمال و رفتار امت خویش را مهار و کنترل می‌نمودند. لذا می‌تواند الگو و راهکار خوبی برای متولیان تعلیم و تربیت و افراد نیازمند به این مکانیزم باشد(دل افکار، صانعی‌پور، زندی، ارجمندفر، ۱۳۹۳). پیامبر اکرم(ص) در رسالت تربیتی خود مردم را با تشویق کردن به سوی حق برمی‌انگیخت و با هشیار ساختن و ادب نمودن، از هلاکت دور می‌ساخت؛ چنانکه امیرالمومنین(ع) فرمود: خداوند محمد(ص) را نشانه‌ای ساخت برای قیامت و بشارت دهنده به بهشت و ترساننده از عقوبت(نهج البلاغه، ۱۴۱۴: حکمت ۳۶۸).

تعابیر قرآن کریم متضمن نکات و لطایف تربیتی بسیاری است که توجه به آنها فرد

را به درک بهتری از کلام خداوند می‌رساند. مفسران بارها از این ویژگی قرآن کریم برای درک عمیق‌تر آیات بهره برده‌اند. یکی از نکاتی که می‌توان با دقت در آیات قرآن بدان دست یافت تقدم و اولویت رویکرد تشویق و تبشیر نسبت به تنبیه و انذار است. این در حالی است که روند تغییر نظرات اندیشمندان حوزه تعلیم و تربیت از تنبیه صرف به سوی تشویق و نهایتاً در دوره‌های اخیر، تشویق درونی و مجازات طبیعی این سؤال را در ذهن مربیان و دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت ایجاد می‌نماید که نظر صحیح کدام است؟ و کدامیک از این دو رویکرد (تشویق و تنبیه) در اولویت قرار دارد؟ از سوی دیگر با وجود رویگردانی اندیشمندان از تنبیه در سال‌های اخیر، نتیجه تحقیقات انجام شده در زمینه تنبیه حاکی از این حقیقت است که تنبیه به اشکال مختلف در مدارس ایران هنوز متداول است. حتی برخی از بررسی‌ها بیانگر به کارگیری تنبیه بدنی می‌باشد. هرچند تحقیقات کمی مربوط به سال‌ها قبل می‌باشد، و متأسفانه تحقیقات تازه‌ای در این زمینه وجود ندارد، اما مشاهدات و اسناد و آمار رسمی نشان می‌دهد که هنوز هم تنبیه در بسیاری از مناطق مملکت رواج دارد. از جمله سید رحیم میرشاه‌ولد، مدیرکل ارزیابی عملکرد و پاسخگویی به شکایات آموزش و پرورش در گفت‌وگو با ایلنا بیان نموده: طی سال‌های ۹۳ و ۹۴ و ۹۵، ۲۳۱۸ شکایت در ارتباط با تنبیه بدنی ثبت شده است، وی خاطر نشان کرده: از مجموع تنبیه بدنی در این ۳ سال، ۱۵۲۶ مورد از شکایات اثبات و به حق بوده است. دراندیشه و رفتار معلمان و مربیان در کلاسهای درسی و سخنرانان در جلسات مذهبی نیز رویه ترساندن از عذاب الهی و عواقب نافرجام کارهای ناپسند و ایجاد وحشت در مخاطبان بر بشارت به رحمت و بخشش خداوندی غلبه دارد. این تضاد فکری و رفتاری با آموزه‌های وحیانی به‌طور طبیعی سبب ایجاد آسیب‌هایی در نظام تعلیم و تربیت اسلامی می‌گردد. بر همین اساس در این پژوهش تلاش شده که با توصیف و تحلیل دقیق نظر قرآن و تبیین روشمند اولویت تشویق در سخن خدای تعالی، در راه تغییر نگرش و به دنبال آن تغییر روش دست‌اندرکاران امر تعلیم و تربیت و در نتیجه تربیت قرآنی دانش‌آموزان مخصوصاً در دوره ابتدایی، که تشویق از اهمیت بیشتری برخوردار است قدمی برداشته شود از این‌رو سؤال اساسی این است که در شرایط مختلف اولویت با کدامیک از روش‌هاست؟ و اینکه کدامیک از این دو روش از اهمیت بیشتری برخوردار است و قدرت تربیتی بیشتری دارد؟ و روش‌های قرآنی برای تحقق این اولویت در آموزش و پرورش چیست؟

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

قرآن کریم اصل تشویق و تنبیه را به روش تبشیر و انذار بیان نموده است. این مقاله برای اثبات اولویت تشویق بر تنبیه از علم تقدیم و تأخیر به عنوان یکی از علوم قرآنی که اهمیت بسزایی در برداشت‌های اصیل قرآنی دارد بهره گرفته است. به همین دلیل برای وارد شدن به موضوع ابتدا به مفهوم‌شناسی این واژگان در قرآن کریم می‌پردازیم. در تعریف بشارت آمده است: *البُشْرَى: فِهی اسم لما بَشَّرت به من خیر. و لَمَّا کان البشر فعلا مطلوباً یوجب الانبساط و الفرح و الطلاقه: فقد عبّر عنه بصیغه التبشیر (مصطفوی، ۱۳۸۰، ج ۳: ۳۰۰)*. بنابراین بشارت خبری است از سوی مبشر که موجب انبساط و شادمانی فرد می‌شود و در اصطلاح به معنای نوید دادن به سعادت و وضعیت دلپذیر و مطلوب آینده که در اثر اجرای قوانین الهی و اطاعت از آن پدید می‌آید و تبشیر به معنای شادمانی و خبر صادق و فرح بخش است (فلاح و نصیری، ۱۳۹۱) و در مقابل آن انذار قرار می‌گیرد. صاحب کتاب العین که نزدیک‌ترین کتاب لغت به عصر نزول قرآن است در معنی انذار می‌نویسد: *صیغه نَذَر به فتح ذال به معنی آگاه کردن به مسیر دشمن است (فراهیدی، ۱۴۲۵، ج ۱: ۷)*. آذرنوش در معنی نَذَر به کسر ذال می‌نویسد: *هوشیار بودن، برحذر بودن، مواظب بودن، حواس خود را جمع کردن. و در معنی أَنْذَر می‌نویسد: برحذر داشتن، تذکر دادن، آگاه کردن، متنبه ساختن، هشدار دادن، خبر دادن، اعلام کردن، نصیحت کردن، پند و اندرز دادن (آذرنوش، ۱۳۸۴: ۶۸۱)*. چنانچه ملاحظه می‌شود هیچکدام نَذَر و یا أَنْذَر را به معنی ترساندن نمی‌دانند؛ بلکه معنای آن را آگاه کردن نسبت به دشمن و یا بطور کلی آگاه نمودن می‌دانند. معنی ترساندن و اخطار دادن و هشدار دادن معنایی است که در فرایند زمان برای این واژه گفته شده و کم‌کم جای معنی اصلی را گرفته است به گونه‌ای که امروزه کاملاً تبادر ذهنی در ترس و هشدار پیدا کرده است. چنانچه مصطفوی انذار را ترساندن با قول و گفتار می‌داند (مصطفوی، ۱۳۸۰، ج ۱۲: ۷۵).

واژه تقدیم که از ریشه «قدم» و از باب تفعیل است به معنی جلو انداختن و پیش آوردن چیزی بر چیز دیگر است. تأخیر: از ریشه «اخر» در باب تفعیل به معنای به تأخیر انداختن و چیزی را پس از چیز دیگر آوردن است (فراهیدی، ۱۴۲۵، ج ۱: ۷). در اصطلاح مراد از تقدیم و تأخیر لفظی، چینش و ترتیب آوردن جمله‌ها؛ شبه جمله‌ها

و واژه‌ها در پی یکدیگر است. در بسیاری از موارد گوینده با در نظر داشتن هدف یا اهدافی، صفتی را بر صفت دیگر و یا خبری را بر خبر دیگر مقدم می‌دارد. در جمله‌هایی که صفاتی چند و تعدد در خبر و یا عباراتی عطف بر یکدیگر آمده است، بنا بر حکمتی یکی را بر دیگری مقدم می‌دارد، و حتی در جمله‌هایی که در پی یکدیگر می‌آورد و یا موضوعاتی که بیان می‌کند تقدم و تأخر قائل می‌شود؛ به این فن بلاغی اصطلاحاً تقدیم و تأخیر گفته می‌شود. بنابراین تقدیم و تأخیر عبارت است از قرار دادن لفظ، پیش از جایگاه اصلی آن یا پس از آن، برای به دست آوردن اختصاص یا اهمیت و یا ضرورت چیزی (الصرصری البغدادی، ۱۴۰۹: ۱۸۹). و الزاماً جابه‌جایی کلمه از جای اصلی اش لازم نیست، بلکه در ترکیب سخن و کلام هدفمند آنچه جلوتر یا عقب‌تر می‌آوریم تقدیم و تأخیر می‌باشد (عون، ۱۴۲۶: ۴۶)

تاکنون پژوهش‌های متعددی درباره این دو روش و یا اصل روان‌شناسی صورت گرفته است، از جمله: فلاح و نصیری (۱۳۹۱) در مطالعه خود با عنوان معناشناسی تبشیر در قرآن کریم، که با روش توصیفی تحلیلی انجام شد به تفصیل به بررسی حوزه‌های معنایی واژه تبشیر با توجه به مجاورت کلمات و تقابل آنها و ساختار آن در قرآن کریم پرداختند و دریافتند که واژه‌های ایمان، احسان، صبر، اسلام، و تواضع مفاهیم هم‌منشین تبشیر در قرآن کریم هستند و انذار در تقابل با آنها قرار دارد. صادق زاده و بناهان (۱۳۹۱) در مطالعه خود با عنوان رویکردی تربیتی به آیات انذار و تبشیر، که با روش توصیفی تحلیلی انجام شده با نگاهی تربیتی به بررسی مبانی و اصولی که منشأ این روش‌هاست پرداخته و با بررسی توأمان این دو واژه و ارائه جدول‌هایی از اصول و فنون منطبق با این آیات، لزوم هماهنگی این دو با یکدیگر را نتیجه گرفته‌اند. ممتحن (۱۳۹۱) در مطالعه خود با عنوان واکاوی نگاره‌های تعلیمی تربیتی تشویق و تنبیه در آثار سعدی به بررسی این دو اصل و ویژگی‌های آن به عنوان بن‌لایه‌های تعلیم و تربیت در آثار سعدی پرداخته است. یونسی و دیالمه (۱۳۹۶) در مطالعه خود با عنوان انذار، از روش تا اصل تربیتی، با تأکید بر واژه انذار در قرآن کریم و ارائه تبیینی از معنای لغوی و احصای خصوصیات معنایی این واژه تلاش نموده‌اند کاربرد تربیتی آن را از قواره یک روش تربیتی به میزان یک اصل تربیتی ارتقاء دهند. دل افکار و همکاران (۱۳۹۳) در مطالعه خود با عنوان تحلیل ساختار کارگفت انذار

در قرآن کریم که توسط یکی از نویسندگان مقاله حاضر نگارش یافته به ترسیم بافت پیرامونی کارگفت انداز، و شرایط لازم برای تحقق کارگفت انداز پرداخته است. نظری (۱۳۹۶) در مطالعه خود با عنوان بررسی عوامل بنیادین تربیت، تلاش نموده بنیادی ترین عوامل تربیت را در پنج سوره آغازین نزول مورد بررسی قرار دهد. رابطه متقابل انسان با خدا، تقوا، اصلاحات فردی و اجتماعی، انداز و بشارت، تذکر و یادآوری، رابطه فقر مطلق با غنای مطلق، پیش‌بینی تهدیدها و راههای مقابله با آن، توجه به راهنما در مراحل گوناگون، از جمله عواملی است که این پژوهش بدان پرداخته است. متقی‌زاده، شه‌بخش و روه (۱۳۹۶) در مطالعه خود با عنوان بررسی روش تربیتی تشویق و تنبیه در آیات قرآن کریم، که با روش توصیفی تحلیلی انجام شده در صد بوده‌اند راه و روش درست تشویق و تنبیه را از دیدگاه قرآن ارایه دهند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد، تشویق و تنبیه دو روش مهم تربیتی بوده و به‌عنوان یکی از عوامل و محرک‌های مهم تلقی می‌شود. در سایه تشویق می‌توان فرد را به کارهای مطلوب واداشت و با در نظر گرفتن پاداش اراده و عزم او را تقویت کرد. با تنبیه مناسب نیز می‌توان او را از لغزش‌ها، انحرافات و گناهان بازداشت. شریفی و جعفری نسب (۱۳۹۴) در مطالعه خود با عنوان روش‌های قرآنی در نهادینه سازی اخلاق در قرآن کریم که با روش توصیفی تحلیلی انجام شده دریافتند: روش قرآن در تشویق قبل از تنبیه تکیه دارد هر چند هر دو مکمل یکدیگرند. در مقالات روان‌شناسی مثبت‌گرا نیز دو رویکرد تشویق و تنبیه مورد بحث و بررسی قرار گرفته‌اند که هر کدام متناسب با موضوع، به بحث و بررسی این دو روش پرداخته‌اند.

روش پژوهش

پژوهش حاضر به روش اسنادی تلاش نموده رویکردی کاملاً اسلامی به موضوع پژوهش داشته باشد. بر همین اساس برای دستیابی به هدف اول، قرآن کریم که معجزه جاوید اسلام، و سند و الگوی تربیتی مسلمانان تا همیشه تاریخ است را به‌عنوان جامعه تحلیل خود انتخاب نموده و تعیین اولویت تنها با اتکا به آیات قرآن صورت گرفته است. در توضیح، تحلیل، چرایی و چگونگی برداشت و فهم، از علم تقدیم و تأخیر بهره برده ایم. از آنجا که قرآن کریم دو اصل تشویق و تنبیه را با عنوان بشارت

- سال چهارم
- شماره ۱۶
- شماره پیاپی: ۱۰
- بهار ۱۳۹۸

و انذار بیان نموده است، نمونه تحلیلی همه آیاتی است که این دو واژه در قرآن کریم در کنار هم قرار گرفته‌اند. این کار با مراجعه به معجم الفاظ قرآن و با بهره‌گیری از نرم‌افزار جامع التفاسیر صورت گرفته است. با مراجعه به کتب دست اول تفسیر به دنبال نشانی از تقدیم و تأخیر به عنوان یکی از علوم تأثیرگذار در فهم قرآن بودیم. در این زمینه هرچند بزرگانی چون علامه طباطبایی در تفسیر بزرگ المیزان بدان توجهی نداشته‌اند؛ و حتی در یک مورد از آیات به تقدیم و تأخیر واژگان توجهی ننموده‌اند؛ اما خوشبختانه آن را در تعدادی از کتب اولیه تفسیر و همچنین در برخی تفاسیر معاصر یافتیم. برای تفهیم چگونگی برداشت اولویت تشویق بر اساس مقدم و مؤخر بودن واژگان و روایی آن به مبانی حجیت این علم در برداشت‌های دقیق و تعیین اولویت‌های اسلامی توسط پیامبر(ص) و معصومان از طریق این علم پرداختیم. روش نمونه‌گیری، نمونه‌گیری هدفمند بوده است که بر اساس متغیرهای پژوهش آیات به صورت هدفمند انتخاب و مورد مطالعه عمیق قرار گرفتند. لازم به ذکر است که فرایند تجزیه و تحلیل اطلاعات پیوسته و مستمر بوده و همزمان با فرایند جمع‌آوری اطلاعات، دسته‌بندی، طبقه‌بندی و کدگذاری اطلاعات و نهایتاً تعبیر و تفسیر اطلاعات انجام شده است.

یافته‌ها

مبانی حجیت تقدیم و تأخیرات قرآنی

در این مطالعه این مبانی را در دو بخش مبانی نظیر حجیت تقدیم و تأخیرات قرآنی و مبانی عملی حجیت تقدیم و تأخیرات قرآنی مورد توجه قرار گرفته است که جداگانه در این مقاله به آن پرداخته شده است منظور از مبانی نظری مجموعه‌ای از قوانین و اصول است که برای پیش‌بینی و توصیف مجموعه‌ای از پدیده‌ها استفاده می‌شود. مهمترین مبانی نظری حجیت تقدیم و تأخیرات قرآنی، پیوند ذهن و گفتار، و هدفمندی گفتار است. برای اثبات این امر و پاسخ به چرایی و چگونگی برداشت از آیات قرآن برای دریافت اولویت تشویق نسبت به تنبیه با استفاده از تقدیم و تأخیر الفاظ قرآن لازم است ابتدا مبانی حجیت تقدیم و تأخیرات قرآنی و استدلال بر اساس آن را بیان نماییم.

پیوند ذهن و گفتار

دانشمندان روان‌شناسی زبان و زبان‌شناسان بر این نکته تأکید دارند که بین آنچه بر زبان جاری می‌شود و آنچه در ذهن می‌گذرد پیوند ژرفی وجود دارد. اول معانی در تجزیه و تحلیل‌های ذهنی در قالب الفاظ ذهنی مرتب و منظم شده و آنگاه بر زبان جاری می‌گردد. جان واتسون روان‌شناس معروف معتقد است تفکر چیزی جز صحبت کردن با خود نیست. وی صحبت آشکار (زبان) و صحبت پنهان (فکر) را یکی میدانند (علوی، ۱۳۹۰: ۵). داتسوم تفکر را گفتار ناملفوظ می‌داند (آیزنک و کین، ۱۳۹۴: ۱۸) و به گفته ویگوتسکی زبان امتزاج بین تکلم بیرونی و تکلم درونی است که پس از درهم آمیختن اندیشه و زبان به مقوله‌ای تفکیک‌ناپذیر تبدیل می‌شود (آیزنک و کین، ۱۳۹۴: ۱۷).

چامسکی زبان‌شناس آمریکایی می‌گوید: جمله‌ها پیش از اینکه بر زبان جاری شوند در ذهن انسان بر حسب معانی خود ظاهر می‌شوند که آن را ساختار عمیق می‌نامند و آنگاه ساختار عمیق به یک ساختار ظاهر که همان شکل خاص مورد نظر است منتقل می‌شود (شعاری نژاد، ۱۳۸۵: ۲۳۹). ذهن انسان در تنظیم و چینش واژه‌ها و جملات چنان نقش دقیق و ظریفی را بازی می‌کند که حتی برخی از محققان از این مسئله چنین نتیجه گرفته‌اند که احتمالاً نوعی ویرایشگر در مغز انسان وجود دارد (لارنس ترسک، ۱۳۸۰: ۲۲۲). به بیان دیگر «ترتیب و نظم در سخن، نتیجه ترتیب و نظم ذهنی است» (مسیری، ۱۴۲۶: ۴۹). و به گفته ماکس مولر «زبان اتوبیوگرافی ذهن است» (شعاری نژاد، ۱۳۸۵: ۲۴۹). اتوبیوگرافی به معنی خود نشان دادن (آریانپور، ۱۳۷۸: ۱۴۲) و مراد آن است که زبان نشانگر و نشان‌دهنده ذهن است. دقیقاً آنچه در ذهن می‌گذرد را نشان می‌دهد.

اندیشمندان مسلمان نیز به این مسئله در کتاب خدا توجه ویژه نموده‌اند. عبدالقاهر جرجانی دانشمند قرن چهارم که در علوم لغت، صرف و نحو و ادب عربی متبحر گردید و کتب مهمی در صرف و نحو و ادب و اعجاز قرآن نوشته در این مورد در اسرار البلاغه می‌نویسد: «اینگونه نیست که اول لفظ ایجاد شود و سپس معنی؛ بلکه اول انسان در معانی فکر می‌کند، سپس الفاظی را برای آن می‌آورد، مثلاً اگر متکلم یا نویسنده روی یک معنی تأکید داشته باشد و آن معنی اول در ذهن او بیاید، لفظ بیانگر آن نیز در کلام مقدم آورده می‌شود» (جرجانی، ۱۳۶۱: ۹۸). در همین راستا زملکانی (قرن هفتم) در سخنی

کوتاه به رابطه عمیق بین گفتار و ذهن اشاره کرده و می‌گوید: «مقدم داشتن در زبان در پی مقدم بودن در ذهن است» (مسیری، ۱۴۲۶: ۴۹).

بنابراین هر کلمه‌ای که بر زبان جاری می‌شود، و حتی ترتیب به‌کار بردن کلمات در جمله با اهداف و مقاصد گوینده در هماهنگی کامل است و هر چه گوینده داناتر، تواناتر، و حکیم‌تر باشد، این هماهنگی عمیق‌تر و حساب شده‌تر خواهد بود. در قرآن کریم که کلام خدای حکیم است این هماهنگی در عالی‌ترین شکل ظهور و بروز می‌نماید. پس اگر در کلام خداوند چیزی مقدم یا مؤخر می‌شود، قطعاً دارای حکمتی است که باید بدان توجه نمود.

هدفمندی گفتار

انسان دارای ویژگی حکمت و دانایی است؛ آنچه انجام می‌دهد، سخنی که می‌گوید و پاسخی که می‌دهد در پی هدف و یا اهدافی است. در گفتار و سخن انسان ویژگی حکمت و هدفمندی نهفته است و اگر در کل سخن و در کل نوشتار کسی هدفی دنبال شود، بدیهی است که اهداف جزئی و مرتبه‌ای نیز می‌تواند در سخن او وجود داشته باشد. جرجانی دانشمند بلاغی و ادیب قرن پنجم معتقد است ترتیب معنوی در ذهن گوینده مطابق اقتضای عقل صورت می‌پذیرد و سپس الفاظ به گونه‌ای سنجیده و درخور آن معانی، منظم و آنگاه بیان می‌شود (جرجانی، ۱۳۶۱: ۸۲). گفته جرجانی که اشاره به مقتضای عقل دارد نشان دهنده این حقیقت است که هر اندازه گوینده عاقلتر و حکیمتر باشد سخنانش هدفمندتر و سنجیده‌تر می‌گردد و اگر این حکمت و دانایی در اوج مراتب خود باشد هدفمندی جملات و کلمات نیز عمیقتر و دقیقتر می‌باشد. حضرت علی (ع) فرموده‌اند: «لِسَانَ الْعَاقِلِ وَرَاءَ قَلْبِهِ، وَقَلْبُ الْأَحْمَقِ وَرَاءَ لِسَانِهِ» (نهج البلاغه، ۱۴۱۴: ۴۷۶): زبان فرد عاقل و دانا پشت قلب اوست و قلب احمق و نادان پشت زبان او. این سخن گهربار نشان از آن دارد که سخنان عاقل پس از حکمت سنجی‌های قلب (اندیشه) بیان می‌شود. در نتیجه هر اندازه قلب (اندیشه) حکمت سنجتر باشد، ژرفای معنایی سخنش بیشتر و عمیقتر است.

آیزنک روان‌شناس معروف انگلیسی معتقد است انسان هدف‌مندانه می‌اندیشد (شعاری نژاد، ۱۳۸۵: ۲۵۱). و سولو تفکر را جهتمند می‌داند. وی برای روشن کردن اندیشه خود به یک بازیکن شطرنج مثال می‌زند و می‌گوید اینکه تفکرش به او می‌گوید سمت راست حرکت کن یا سمت چپ، این ویژگی، جهتمندی تفکر را می‌رساند و تفکر در کلام

جابه‌جایی‌هایی است که به‌منظور مفهوم‌سازی صورت می‌پذیرد (آیزنک و کین، ۱۳۹۴: ۱۹). و از آنجا که سخن نمود آوایی تفکر است (سعیدی روشن، ۱۳۹۱: ۹) پس سخن هدفمند و جهت‌دار است. آنچه آمد همگی در جهت و راستای کارایی مثبت تفکر و ذهن بود و بدیهی است اگر چنانچه فردی دچار اختلالات ذهنی باشد، در پی آن دچار اختلالات گفتاری می‌شود. در اوایل قرن نوزدهم نیز صاحب‌نظران به این نتیجه رسیدند که افزای (اختلال در گفتار یا زبان‌پریشی) با اختلال در نیمکره چپ مغز ارتباط دارد (علوی، ۱۳۹۰: ۲۱). از توضیحات و نکاتی که ارائه شد به خوبی می‌توان دریافت که هدفمند بودن فعل و انفعالات ذهنی انسان چنانچه در انجام امور فرد مؤثر است در چگونگی بیان جملات و کلمات نیز مؤثر و کارآمد است. در واقع گوینده در راستای رسیدن به اهداف مورد نظر خود کلمات و جملات را به گونه‌ای دنبال هم می‌آورد که به بهترین نحو مقصود خود را برساند. هر چه گوینده حکیم‌تر باشد کلامش نیز از استحکام بیشتری برخوردار خواهد بود. حال اگر گوینده حکیم علی‌الاطلاق و قادر مطلق باشد این نظم و ترتیب در کلام او دقیقاً گویای مقصود او خواهد بود. به همین جهت اهل تدبر در قرآن، به تک تک حروف و کلمات به‌کار گرفته شده در قرآن دقت نموده و آن را ملاکی برای استخراج نظریات قرآنی قرار می‌دهند.

مبانی عملی حجیت تقدیم و تأخیرات قرآنی

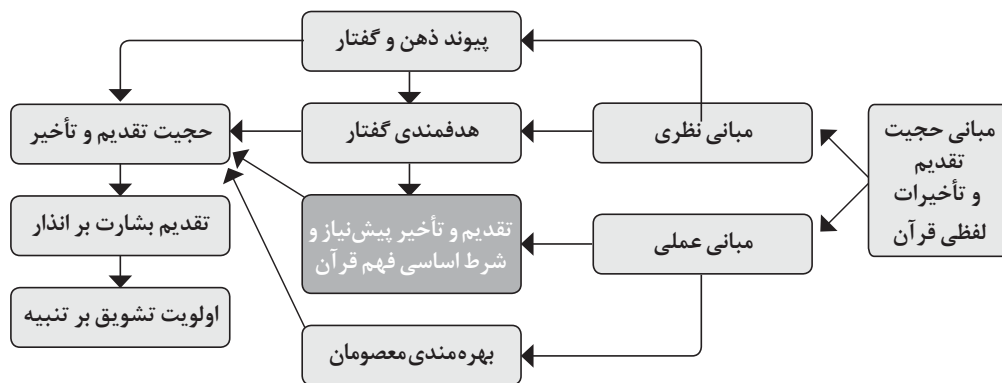
منظور از مبانی عملی اصول و بنیادهایی است که مبنای کار محقق قرار می‌گیرد و با تکیه بر آن و الگو گرفتن از آن صحت مبانی نظری خود را اثبات می‌نماید.

تقدیم و تأخیر پیش نیاز و شرط اساسی فهم قرآن

یکی از مبانی حجیت تقدیم و تأخیرات لفظی قرآن، مقدمه بودن این علم برای فهم قرآن و دریافت برداشت‌های دقیق از آیات قرآن است. این پیش‌نیازی از جانب معصومان (ع) مورد تأکید بوده و سفارش جدی به فراگیری آن صورت گرفته است. در روایتی از امیرالمومنین (ع) آمده است که فرمود: «فی القرآن ناسخ و منسوخ و محکم و متشابه و خاص و عام و مقدم و مؤخر و...» (مجلسی، ۱۳۷۴، ج ۹۰: ۴). در این روایت امام علی (ع) دانش‌های ناسخ و منسوخ، محکم و متشابه، عام و خاص، و مقدم و مؤخر را در کنار یکدیگر بیان فرموده و گوشزد می‌فرمایند برای فهم قرآن باید به این‌ها توجه نمود.

- سال چهارم
- شماره ۱۶
- شماره پیاپی: ۱۰
- بهار ۱۳۹۸

در روایتی امام صادق(ع) تقدیم و تأخیر را از جمله علوم قرآنی مؤثر در فهم دانسته و فرمودند: «خداوند رحمت کند شما را، بدانید که اگر کسی از کتاب خدا ناسخ و منسوخ، خاص و عام، محکم و متشابه،...، تقدیم و تأخیر و... را نداند عالم به قرآن نیست و از اهل قرآن نیست و هنگامی که ادعای فهم قرآن کند بدون دانستن این موارد ادعای بدون دلیل است» (فیض کاشانی، ۱۳۸۷، ج ۱: ۵۴). پس برای فهم دقیق آیات قرآن باید به علوم قرآنی مراجعه کرد. علم مرتبط با تقدم و اولویت مسائل علم تقدیم و تأخیر است که برای فهم بهتر اولویت‌های مد نظر خداوند باید بدان مراجعه نمود و بر اساس آن نیازمندی‌ها را برداشت نمود و مبنای عمل قرار داد. جمع‌بندی تصویری مبانی حجیت در نمودار ۱ به تصویر کشیده شده است.



نمودار شماره ۱. مبانی حجیت تقدیم و تأخیرات قرآنی (اولویت تشویق بر تنبیه)

بهره‌گیری معصومان(ع) از تقدیم و تأخیرات لفظی قرآن در تعیین اولویت‌ها

تأکید پیامبر(ص) و ائمه(ع) بر جایگاه الفاظ در کلام وحی و تعیین اولویت، اهمیت و برتری اعمال بر اساس آن محکم‌ترین دلیل برای تجویز به کارگیری علم تقدیم و تأخیر برای استخراج جایگاه و اولویت موضوعات مختلف و عمل بر اساس آن می‌باشد. از آنجا که در تفسیر آیات قرآن بیشتر به بیان و تفصیل احکام و تکالیف شرعی پرداخته شده و عقاید و احکام در تفسیر آیات بر سایر موضوعات غلبه دارند، احادیثی که در تقدیم و تأخیر آیات نیز به آن اشاره شده اغلب در توضیح تکالیف شرعی است. البته مفسران به تاسی از روش معصومین(ع) در بیان مباحث تربیتی نیز از این علم بسیار بهره برده‌اند. برای ورود به بحث به تناسب تربیتی بودن موضوع ابتدا بیان مفسران در مقدم بودن تزکیه بر تعلیم با بهره‌مندی از علم تقدیم و تأخیر را بیان نموده و سپس مواردی

از احادیث تفسیری که مستقیماً توسط معصومین (ع) با استناد به تقدیم و تأخیر الفاظ اولویت‌ها مشخص شده است را بیان می‌نماییم.

تزکیه مقدم بر تعلیم

مفسران با توجه به تقدم تزکیه بر تعلیم در آیه: **هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ** (الجمعه، ۲): اوست آن کس که در میان بی‌سوادان فرستاده‌ای از خودشان برانگیخت، تا آیات او را بر آنان بخواند و پاکشان گرداند و کتاب و حکمت بدیشان بیاموزد، و [آنان] قطعاً پیش از آن در گمراهی آشکاری بودند؛ اولویت و تقدم تزکیه بر تعلیم را دریافت نموده‌اند.

علامه طباطبایی با توجه به مقدم بودن لفظ **يُزَكِّيهِمْ** و مؤخر بودن لفظ **يُعَلِّمُهُمْ** می‌نویسد: در این آیه شریفه مسئله تزکیه را قبل از تعلیم کتاب و حکمت ذکر کرده است. این بدان سبب بوده که در مقام تربیت، تزکیه مقدم بر تعلیم علوم حقه و معارف حقیقه است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۹: ۴۷۷). تقدیم مزبور برای اشاره به این مطلب است که آن حضرت نخست مردم را از رجس شرک تطهیر کرده سپس احکام و معارف دین را به آنها می‌آموزد (جوادی آملی، ۱۳۸۴، ج ۲: ۴۹۱). در این آیه با توجه به مقدم بودن لفظ تزکیه مفسران اولویت تزکیه در تربیت را استنباط نموده‌اند.

تسبیح پیش از تحمید

سیوطی در تفسیر درالمنثور ذیل آیه **«فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَاسْتَغْفِرْ لَهُ إِنَّهُ كَانَ تَوَّابًا»** (النصر: ۳) چهار حدیث آورده است که حضرت رسول (ص) از زمانی که این آیه نازل شد تسبیح را بر تحمید مقدم داشتند و می‌فرمودند (سبحانک اللهم و بحمدک) و اشاره می‌کند که پیامبر (ص) مطابق آنچه در آیه آمده است انجام می‌دادند (سیوطی، ۱۴۲۱، ج ۸: ۶۰۵). حویزی در نورالثقلین و بحرانی در البرهان نیز روایت آورده‌اند که از زمان نزول این سوره حضرت رسول (ص) بسیار می‌فرمودند: **«سبحان الله و بحمده استغفر الله»** (بحرانی، ۱۴۲۷، ج ۸: ۴۱۳).

علی ابوالقاسم عون در دلالات التقدیم و التأخیر می‌نویسد که پیامبر اکرم (ص) پس از نزول سوره نصر تسبیح را بر تحمید مقدم داشتند و ملتزم بودند در نماز خود به ترتیب

نازل شده در آیه تسبیح و حمد خدا را بگویند و از احمد بن حنبل روایتی می‌آورد که حضرت بسیار می‌فرمودند «سبحانک اللهم و بحمدک...» (عون، ۱۴۲۶: ۷۲۴). از نظر مفسران تقدیم تسبیح بر تحمید بواسطه این است که (در تربیت) تخلیه مقدم بر تخلیه است (طیب، ۱۳۷۸، ج ۱۱: ۳۴۹).

پرداخت زکات فطره پیش از نماز عید فطر

در تفسیر علی بن ابراهیم قمی در ذیل آیه کریمه: «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّى * وَ ذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ فَصَلَّى» (الاعلی، ۱۴ و ۱۵) روایتی به نقل از امام صادق (ع) آمده که مراد از «تزکی» زکات فطره است و باید پیش از نماز عید پرداخته شود (قمی، ۱۴۱۲، ج ۲: ۴۱۳).

شیخ طوسی در تهذیب و صدوق در من لایحضره الفقیه و حویزی در نورالثقلین و بحرانی در البرهان و سید کاظم یزدی در عروه روایتی دیگر از قول امام صادق (ع) آورده‌اند که حضرت فرمودند اول باید زکات فطره را پرداخت و آنگاه نماز عید را اقامه کرد، زیرا خداوند پیش از نماز بدان پرداخته است (الحویزی، ۱۳۸۴، ج ۵: ۵۵۶). ضمناً مقدم بودن تزکی بر فصلی اولویت تزکیه در تربیت اسلامی بر انجام اعمال و عبادات را می‌رساند.

شرافت مهاجرین بر انصار

شیخ کلینی در اصول کافی روایت مفصلی از امام صادق (ع) آورده است، در این روایت امام (ع) مشروحاً توضیح می‌دهد که خداوند هر قوم و هر دسته و گروهی را با توجه به ایمان آنها ارج می‌نهد؛ اما هنگامی که راوی می‌پرسد به من خبر دهید از اینکه خداوند کسانی را بر افراد دیگر برتری داده است. حضرت در پاسخ آیه ۱۰۰ سوره توبه را قرائت می‌فرماید: «وَ السَّابِقُونَ الْأَوَّلُونَ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَ الْأَنْصَارِ» و در توضیح اشاره می‌کند به اینکه: «با مهاجرین آغاز نمود» و سپس انصار را ثنا فرمود و در مرحله سوم تابعین را و در پایان اشاره می‌کند که: «قرار داد هر گروهی را به اندازه درجه و منزلتش نزد خویش» (الحویزی، ۱۳۸۴، ج ۲: ۲۵۵).

کاربرد این آیه در تربیت اسلامی، توجه به کیفیت عمل است نه کمیت آن. چنانکه در روایت فوق، امام صادق (ع) با اشاره به تقدیم و تأخیر الفاظ قرآن این نکته مهم را مد نظر قرار می‌دهند که پیشی گرفتن به زودتر یا دیرتر ایمان آوردن نیست بلکه به نوع ایمان و نوع عمل است.

سعی صفا و مروه

یکی از مناسک واجب حج عمره انجام هفت شوط سعی صفا و مروه است، طبیعی است که برای حج گذار این پرسش مطرح می‌شود که این عمل واجب از کجا شروع می‌شود، از صفا یا از مروه، در آغازین حجتی که حضرت رسول (ص) پس از هجرت به مدینه برگزار کردند برخی اصحاب پرسیدند: یا رسول الله از کجا شروع کنیم فرمودند: آغاز کنید از جایی که خدا آغاز نموده است. و خود ایشان از صفا شروع کردند، همانگونه که آیه فرموده است «ان الصفا والمروة من شعائر الله...» (الحویزی، ۱۳۸۴، ج ۱: ۱۵۸).

چنانچه روشن است حضرت (ص) از تقدم و تاخر لفظی در آیه شاخصه‌های و استنباط فرموده‌اند که سعی باید از صفا شروع شود. از نگاه رسول خدا (ص) مقدم بودن لفظ صفا بر لفظ مروه دارای معنا و پیام است آن هم پیامی در حد و جوب به گونه‌ای که ملاک عمل در مناسک حج قرار می‌گیرد. کلینی در فروع کافی دو حدیث از امام صادق (ع) آورده است که اگر کسی از مروه شروع کرده سعی را باید دوباره انجام دهد (کلینی، ۱۳۸۳، ج ۴: ۴۳۶). این روایت بیانگر اهمیت فوق العاده الفاظ در کلام خدای تعالی است، تا حدی که اگر تقدیم و تأخیر الفاظ قرآن در عمل نادیده گرفته شود، به بی تأثیر بودن عمل و حتی ابطال آن منجر می‌شود.

بر همین اساس مقدم بودن بشارت بر انداز در ۱۵ مورد از ۱۷ موردی که در قرآن این دو کلمه در کنار هم قرار گرفته‌اند به‌طور قاطع بیانگر اولویت تشویق بر تنبیه و تأثیر بی بدیل آن در تربیت اسلامی است که در ادامه به شرح آن می‌پردازیم.

تقدیم بشارت بر انداز

از موارد تقدیم و تأخیر در قرآن کریم، تقدیم بشارت بر انداز است. در ۱۷ مورد از آیات قرآن کریم دو واژه بشارت و انداز با مشتقات گوناگون کنار یکدیگر آمده است. این آمار از طریق بررسی این دو واژه و شمارش آیات در معجم المفهرس که کاملترین معجم قرآنی، و معروفترین اثر در واژه‌یابی الفاظ قرآن کریم است به دست آمده و با نرم‌افزار جامع التفاسیر اعتبار سنجی شده است. همه ۱۷ مورد آیات به همراه پیام هر آیه در جدول زیر به ترتیب سوره‌ها چیده شده است.

- سال چهارم
- شماره ۱۶
- شماره پیاپی: ۱۰
- بهار ۱۳۹۸

جدول شماره ۱. آیات انذار و تبشیر در قرآن

نام سوره و شماره آیه	متن آیه	متکلم	تقدم	پیام آیه
البقره، ۱۱۹	إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَ نَذِيرًا	خداوند	بشارت	ما ترا به حق فرستادیم تا بشارت‌نگر و بیم‌دهنده باشی.
البقره، ۲۱۳	فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَ مُنذِرِينَ	خداوند	بشارت	خطوط کلی اهداف انبیا یکی است. پیامبران مبشر و منذرند.
النساء، ۱۶۵	رُسُلًا مُبَشِّرِينَ وَ مُنذِرِينَ لَعَلَّ يَكُونُ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ بَعْدَ الرُّسُلِ	خداوند	بشارت	شیوهی تبلیغ انبیا برای اتمام حجت بر مردم بر دو محور بشارت و انذار استوار است.
المائده، ۱۹	قَدْ جَاءَكُمْ رَسُولُنَا يُبَيِّنُ لَكُمْ عَلَى فَتْرَةٍ مِنَ الرُّسُلِ أَنْ تَقُولُوا مَا جَاءَنَا مِنَ بَشِيرٍ وَ لَا نَذِيرٍ	خداوند	بشارت	بعثت پیامبران با بشارت و انذار، راه عذر و بهانه را به روی انسان می‌بندد. بشارت و انذار، از شیوه‌های تبلیغی انبیاست.
المائده، ۱۹	فَقَدْ جَاءَكُمْ بَشِيرٌ وَ نَذِيرٌ	خداوند	بشارت	انسان در انتخاب راه آزاد است، اجبار و اکراهی ندارد. انبیا فقط بشارت و هشدار می‌دهند.
الأعراف، ۱۸۸	إِن أَنَا إِلَّا نَذِيرٌ وَ بَشِيرٌ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ	پیامبر	انذار	پیامبر خود را تنها آگاه‌کننده و بشارت‌دهنده اهل ایمان معرفی می‌کند.
الأعراف، ۴۸	وَ مَا نُرْسِلُ الْمُرْسَلِينَ إِلَّا مُبَشِّرِينَ وَ مُنذِرِينَ	خداوند	بشارت	مسئولیت انبیا، تنها بشارت و هشدار است، نه اجبار مردم.
هود، ۲	إِنِّي لَكُمْ لَكُمْ مِنْهُ نَذِيرٌ وَ بَشِيرٌ	پیامبر	انذار	پیامبر شیوه تبلیغ خود را، آگاهی‌بخشی و بشارت معرفی می‌کند.
الإسراء، ۱۰۵	وَ مَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا مُبَشِّرًا وَ نَذِيرًا	خداوند	بشارت	مسئولیت پذیرش یا نپذیرفتن مردم با پیامبر نیست. پیامبر تنها مبشر و منذر است.
مریم، ۹۷	فَإِنَّمَا يَسْتَرْفَاهُ بِلِسَانِكَ لَتُبَشِّرَ بِهِ الْمُتَّقِينَ وَ تُنذِرَ بِهِ قَوْمًا لَدَا	خداوند	بشارت	با هر گروهی به نحوی خاص باید سخن گفت. با متقین به زبان بشارت و با دشمنان به صورت انذار
الکهف، ۵۶	وَ مَا نُرْسِلُ الْمُرْسَلِينَ إِلَّا مُبَشِّرِينَ وَ مُنذِرِينَ	خداوند	بشارت	کار انبیا بشارت و انذار است، نه اجبار مردم بر پذیرش
سبأ، ۲۸	وَ مَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِلنَّاسِ بَشِيرًا وَ نَذِيرًا	خداوند	بشارت	مهم‌ترین نقش انبیا در هدایت مردم، هشدار و بشارت است
فاطر، ۲۴	إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَ نَذِيرًا	خداوند	بشارت	ما ترا به حق فرستادیم تا بشارت‌نگر و بیم‌دهنده باشی.
فصلت، ۴	بَشِيرًا وَ نَذِيرًا	خداوند	بشارت	قرآن بشیر و نذیر است
الفرقان، ۵۶	وَ مَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا مُبَشِّرًا وَ نَذِيرًا	خداوند	بشارت	پیامبران غیر از بشارت و انذار تکلیفی ندارند
الأحزاب، ۴۵	إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَ مُبَشِّرًا وَ نَذِيرًا	خداوند	بشارت	بشارت و انذار، وسیله‌ی دعوت انبیاست
الفتح، ۸	إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَ مُبَشِّرًا وَ نَذِيرًا	خداوند	بشارت	از اصول تربیت و هدایت الهی، معرفی الگو در کنار بشارت و هشدار است

در آیات ۱۱۹ و ۲۱۳ بقره، ۱۶۵ نساء، ۱۸۸ اعراف، ۴۸ انعام، ۲ هود، ۱۰۵ اسراء، ۹۷ مریم، ۵۶ کهف، ۲۸ سبأ، ۲۴ فاطر، ۴ فصلت، ۵۶ فرقان، ۴۵ احزاب، ۸ فتح و در آیه ۱۹ سوره مائده دو بار این دو واژه یا مشتقاتی از آن کنار یکدیگر آمده است. این آیات پیامبران و کتب آسمانی و به طور خاص پیامبر اسلام (ص) و قرآن را مبشر و منذر معرفی می نماید که با توجه به سیاق آیات هر یک پیامی را در بر دارد که با مراجعه به جامع التفاسیر استخراج شده و در جدول فوق بدان اشاره شده است. نکته جالب آنکه در این ۱۷ مورد، تنها در آیه ۱۸۸ سوره اعراف و آیه ۲ سوره هود اول انذار و سپس بحث بشارت مطرح شده است که آن هم از قول پیامبر (ص) است. در ۱۵ مورد دیگر که همگی از قول خداوند نقل شده بشارت دادن مقدم بر انذار آمده است. سنجش فراوانی این آمار به شکل زیر می باشد.



نمودار شماره ۲. سنجش فراوانی تقدم بشارت بر انذار در قرآن کریم

چنانکه ملاحظه می کنید قرآن کریم با مقدم داشتن بشارت در ۱۵ مورد از ۱۷ مورد آیه ای که این دو لفظ در کنار هم آمده اند رویکرد تشویق و بشارت را در اولویت قرار داده است. این تعداد که ۰/۸۸ نمونه تحلیلی را تشکیل می دهد، تنها می تواند به علت بیان حکمتی باشد؛ زیرا از نظر موسیقایی کلام تفاوت چندانی در دو عبارت «بشیراً و نذیراً» و «نذیراً و بشیراً» وجود ندارد. از این رو باید به این چینش توجه نمود و طبق سیره معصومین (ع) پیام لازم که همان مقدم بودن بشارت دهندگی بر انذار نمودن است را دریافت. دو مورد تقدیم انذار بر بشارت که ۰/۱۲ نمونه تحلیلی را تشکیل می دهد که آن نیز از قول رسول خدا (ص) نقل شده است، نه از قول خداوند! بیانگر شرایط اضطراری و اختیار مربی در انتخاب شیوه تنبیه در موارد خاص می باشد.

از نظر مفسران در تربیت اسلامی اصل بر سلامت و بی‌عیب بودن است و داشتن خلاف، و نیاز به انذار، فرع بر فطرت انسانی است (جوادی آملی، ۱۳۸۴، ج ۱۰: ۳۹۴). تبلیغ هنگامی مؤثرتر است که از باب بشارت و امیددهی وارد شود نه از درب خوف و ترس. در روان‌شناسی تبلیغ و روان‌شناسی مثبت بر این نکته تأکید شده است که بر نکات مثبت افراد انگشت بگذارید و از نکات منفی آن‌ها سخن به میان نیاورید تا به درجه لازم آگاهی برسند و خود کم‌کم نکات منفی خویش را کنار بگذارند؛ مگر انسان‌های لجوج و سرکش و غرق در فساد و تباهی که برای آن‌ها باید راهی دیگر و روشی مناسب حال آنان برگزید. چنانچه قرآن کریم فرمود: «مَا أَنْتَ بِهَادِي الْعُمِّيِّ عَنْ ضَلَاتِهِمْ» (الروم، ۵۳). بدیهی است که قلبی از مردم از اولیاء الهی هستند، افراد لجوج و سرکش و غرق در فساد و تباهی و معاند با خداوند نیز اندکند و اکثریت مردم همان عامه میانه‌های هستند که اول باید با گام‌های بشارت آغاز کرد و در پایان اگر نیاز بود گام انذار برداشته شود. چنانچه در تفسیر آیه ۳۲ سوره فاطر از قول ائمه معصومین (ع) امت اسلام و یا شیعیان پیرو ولایت را به سه دسته تقسیم نموده است: اول اولیاء که سابق بالخیرات هستند، و دوم حق‌گذاران ولایت، و سوم کسانی که به نفس خویش ظلم نمودند و آنچنان که حق بود انجام وظیفه نمودند؛ ولی جالب آنکه حتی به دسته سوم بشارت نجات و رستگاری می‌دهند (الحویزی، ۱۳۸۴، ج ۴: ۳۶۱). تفسیر درالمنثور از قول رسول اکرم (ص) نقل می‌کند که این سه دسته همه یکسان هستند و بمنزله واحد می‌باشند و همگی در بهشتند (سیوطی، ۱۴۲۱، ج ۷: ۲۲) از مقدم شدن ظالم نفسه بر مقتصد و هر دو بر سابق بالخیرات می‌توان استفاده کرد که اکثریت ظالم نفسه هستند و حق را درست نمی‌شناسند و عده‌ای مقتصد هستند که عارف به حق می‌باشند و اندکی از اولیاء الهی. ولی هر سه دسته بشارت به بهشت می‌یابند. این خود دلیلی بسیار روشن است که باید برخورد با عامه مردم بشارتی باشد نه اندازی.

مطهری در تفسیر آیاتی از قرآن تبشیر را به‌عنوان قائد و انذار را به‌عنوان سائق می‌داند و می‌نویسد: اینکه به قرآن کریم سبع‌المثانی گفته می‌شود، شاید یک جهت آن اینکه همیشه در قرآن تبشیر و انذار مقرون به یکدیگر است؛ یعنی از یک طرف بشارت است و از طرف دیگر انذار و اعلام خطر در دعوت. این هر دو رکن باید توأم باشد. اشتباه است اگر داعی و مبلغ تنها تکیه‌اش روی تبشیرها باشد و یا تکیه‌اش روی انذارها

باشد، بلکه جانب تبشیر باید بچربد، و شاید به همین دلیل است که قرآن تبشیر را مقدم می‌دارد (مطهری، ۱۳۶۸، ج ۱۶: ۱۵۵).

فخر رازی در تفسیر خود ذیل آیه ۲۱۳ سوره بقره دلیل تقدم بشارت بر انذار را اینگونه می‌نویسد: در بیشتر آیات بشارت بر انذار پیشی گرفته چرا که بشارت جاری مجرای حفظ سلامت و انذار جاری مجرای ازاله مرض و از بین بردن بیماری است. پس بدون شک هدف و مقصود اصلی حفظ سلامت است نه از بین بردن بیماری؛ بنابراین واجب است در بیان، بشارت بر انذار مقدم گردد.

بنابراین با توجه به سنجش فراوانی آیات و تفاسیر آنها پاسخ سؤال اصلی مقاله که نظر قرآن درباره اولویت و برتری کدامیک از این دو روش است؟ به دست می‌آید. و آن اینکه با توجه به حجیت تقدیم و تأخیر در تعیین اولویت‌ها، خدای حکیم با مقدم داشتن لفظ بشارت بر انذار در ۱۵ مورد از ۱۷ مورد آیه‌ای که این دو لفظ در قرآن کریم در کنار یکدیگر واقع شده‌اند، عملاً بشارت و رویکرد تشویقی را بر انذار و رویکرد تنبیهی مقدم داشته است. بنابراین در شرایط مختلف اولویت با رویکرد تشویقی است، نه تنبیهی! فهم این مطلب می‌تواند تحول بزرگی در نظام تربیتی کشور ایجاد نماید. برای مربیان نمایانگر راه است و برای دانش‌آموزان پیشرفت و اصلاح. برای معلمان پیشبرد روش قرآن و عمل بر مبنای قرآن است و برای دانش‌آموزان تربیت بر اساس قرآن.

روشهای قرآنی تشویق جهت به کارگیری و تحقق اولویت تشویق در آموزش و پرورش رسمی و عمومی کشور

برای کاربردی نمودن نظر قرآن درباره اولویت تشویق بر تنبیه و دستیابی به هدف دوم مقاله، در ادامه به بیان روش‌های قرآنی به‌عنوان الگوی تربیت اسلامی در پیشبرد اهداف تربیتی پرداخته می‌شود. بسیاری از آیات قرآن کریم اشاره دارد که خداوند برای دعوت به سوی ایمان و عمل صالح همواره عامل تشویق و پاداش را به کار می‌برد و تنها در صورت سرپیچی بندگان از فرمان الهی، از تهدید و تنبیه استفاده می‌کند. شیوه‌هایی که قرآن کریم برای تشویق بندگان و ترغیب آنها به سوی نیکی‌ها به‌کار می‌گیرد عبارتند از:

- سال چهارم
- شماره ۱۶
- شماره پیاپی: ۱۰
- بهار ۱۳۹۸

الف. شیو جلوه کلامی

کلام مهمترین ابزار ارتباطی انسان است و تأثیری شگرف بر روح و روان آدمی دارد. کلام خوشایند می‌تواند دانش آموز را مجذوب و شیفته سازد، همچنان که کلام ناخوشایند او را افسرده خاطر و محزون می‌سازد. به همین دلیل نیکویی و لطافت کلام به میزان بسیار زیادی می‌تواند در جذب متربی و پیشبرد اهداف مربی مؤثر باشد. قرآن نیز به لطافت و نرمی کلام برای تأثیرگذاری بر افراد تأکید نموده است، آنجا که به حضرت موسی (ع) دستور می‌دهد که برای فراخواندن فرعون به توحید با سخنان نرم و ملایم وارد میدان شود: اذْهَبَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَىٰ فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَّيِّنًا لَّعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَىٰ (طه، ۴۳ و ۴۴): به سوی فرعون بروید، زیرا طغیان کرده است، ولی به نرمی با او سخن بگویید. شاید متذکر شود یا از خدا بترسد.

طبیعت افراد، بیشتر به نرمی و لطافت گرایش دارد. به همین دلیل، اثرگذاری تربیتی در انسان با نرمش و ملاحظت بیشتر است. کلام درشت و خشن زودتر از اینکه وارد قلب شود، ایجاد دشمنی و عداوت می‌کند؛ و کلام ناپسند، انسان را از دریافت معنای اصلی کلام باز می‌دارد و قبل از دریافت معنا حالتی خصمانه به وجود می‌آورد و فضایی تیره و تار می‌سازد که تحت تاثیر آن اثر کلام از بین می‌رود (سیفعلی‌ئی، ۱۳۹۴: ۳۴). تشویق کلامی می‌تواند به شکلهای مختلف صورت گیرد. از جمله:

● تحسین

تحسین به معنی نیکو شمردن کار است. گاهی قدرت کلمات تأیید کننده و تحسین کننده از قدرت جایزه و پاداش بیشتر است. به همین دلیل تحسین را باید از عوامل مهم در نفی جنبه‌های منفی و تقویت جنبه‌های مثبت آدمی دانست. تحسین، شخصیت سرکوب شده‌ی متربی را زنده می‌کند و او را برای ادامه دادن کارهای پسندیده، دلگرم می‌سازد. ستودن رفتار نیک و سیله‌ای است برای تشویق فراگیر به رفتار مورد نظر. امام محمد باقر (ع) درباره‌ی اصل تحسین نقل می‌فرماید: كَانَ أَبِي زَيْنَ الْعَابِدِينَ إِذَا نَظَرَ إِلَى الشَّبَابِ الَّذِينَ يَطْلُبُونَ الْعِلْمَ، ادْنَاهُمْ إِلَيْهِ وَقَالَ: مَرَحِبًا بِكُمْ! انْتُمْ وَدَائِعُ الْعِلْمِ يَوْشِكُ إِذَا أَنْتُمْ صَغَارُ قَوْمِ أَنْ تَكُونُوا كِبَارُ قَوْمِ آخِرِينَ (مجلسی، ۱۳۷۴، ج ۲: ۱۵۲): پدرم امام زین العابدین هنگامی که جوانان جوینای دانش را می‌دید، آنان را نزد خود فرا می‌خواند و

می فرمود: آفرین بر شما باد! شما ذخیره‌های دانش، اکنون کودکان طایفه هستید، ولی به زودی از بزرگان و دست‌اندرکاران قبیله خواهید شد.

● دعا

یکی از شیوه‌های تشویق کلامی در آیات و روایات اسلامی، دعا کردن برای کسانی است که به اصلاح رفتار خود می‌کوشند و وظیفه‌ی خود را به درستی انجام می‌دهند. این کار مایه‌ی آرامش روح و روان مرتبی است و او را به ادامه دادن رفتار شایسته و نیک، مصمم می‌سازد. قرآن کریم به پیامبر اکرم (ص) سفارش می‌کند هنگام صدقه گرفتن از مردم، برای آنان دعا کن: خذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا وَصَلِّ عَلَيْهِمْ إِنَّ صَلَاتَكَ سَكَنٌ لَهُمْ (توبه، ۱۰۳): ای پیامبر! از اموال آنان صدقه (زکات) بگیر و بدین وسیله آنان را پاک و پاکیزه ساز و در پی این کار، در حق آنان دعا کن (و درود فرست)؛ زیرا این کار، آنان را آرام خواهد کرد. عبدالله بن ابی اوفی می‌گوید: هرگاه کسی زکات مالش را نزد رسول خدا (ص) می‌آورد، ایشان او را دعا می‌فرمود (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۹: ۵۲۳).

● تحریض

تحریض به معنی برانگیختن و به شوق آوردن افراد به کار نیک و شایسته، یکی دیگر از شیوه‌های تشویق کلامی است. افراد کاری می‌کنند که بدان برانگیخته شده‌اند. خداوند دو بار در قرآن به پیامبر خود دستور می‌دهد مسلمانان را به جنگ با دشمنان اسلام تحریض کند: يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَرِّضِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى الْقِتَالِ إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ عَشْرُونَ صَابِرُونَ يَغْلِبُوا مِائَتِينَ وَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ يَغْلِبُوا أَلْفًا مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَفْقَهُونَ (انفال، ۶۵): ای پیامبر! مؤمنان را به جنگ (با دشمن) تحریض کن (تشویق کن). هر گاه بیست نفر از شما با استقامت باشند، بر دویست نفر چیره می‌شوند. و اگر صد نفر باشند، بر هزار نفر از کسانی که کافر شدند، پیروز می‌شوند، زیرا آنان گروهی هستند که نمی‌فهمند. از این آیه‌ی شریفه چنین برمی‌آید که بیان توانایی افراد بر انجام کار در معنای تحریض نهفته است و لازم است در تحریض افراد به نقاط مثبت و توانمندیهای آنها تأکید نمود.

● بیان نیکی‌ها

بیان کارهای نیک افراد نوعی حق شناسی و تشکر و قدردانی از آنان است و سبب تشویق فرد و ترغیب او در انجام مجدد و بهتر کارها می‌شود. خدای مهربان در آیات متعدد خود را شاکر معرفی می‌نماید. و تلاش اهل ایمان را ارج نهاده و از آنها تقدیر می‌نماید: *وَمَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا فَإِنَّ اللَّهَ شَاكِرٌ عَلِيمٌ* (البقره، ۱۵۸): و هر که افزون بر فریضه، کار نیکی کند، خدا حق شناس و داناست. *وَمَنْ أَرَادَ الْآخِرَةَ وَ سَعَىٰ لَهَا سَعِيهَا وَ هُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَٰئِكَ كَانَ سَعِیُهُمْ مَشْكُورًا* (الإسراء، ۱۹): و هر کس خواهان آخرت است و نهایت کوشش را برای آن بکند و مؤمن باشد، تلاش آنها مورد حق شناسی واقع خواهد شد.

حضرت علی (ع) نیز در نامه خویش به مالک اشتر می‌فرماید: آنان را به نیکویی یاد کن و پیوسته تشویقشان نما و کارهای مهمی را که انجام داده‌اند برشمار؛ زیرا یاد کردن کارهای نیک آنان، دلیرشان را [به کوشش و حرکت بیشتر] برانگیزاند و از کار مانده را به خواست خدای [به کار و تلاش] ترغیب نماید..... و باید در پاداش دادن به فرد هنگام به سر رساندن کارش کوتاهی ننمایی (نهج البلاغه، ۱۴۱۴: نامه ۵۳).

● درود

درود فرستادن بر متریبی یکی دیگر از شیوه‌های تربیتی قرآن برای تشویق به رفتار پسندیده است. خداوند در قرآن از این شیوه بسیار استفاده می‌کند. قرآن درباره‌ی حضرت یحیی (ع) در تشویق کارهای نیکویی که انجام داده (تقوی، زکات، پرهیز از زورگویی و...) می‌فرماید: *سَلَامٌ عَلَيْهِ يَوْمَ وُلِدَ وَ يَوْمَ يَمُوتُ وَ يَوْمَ يبعثُ حَيًّا* (مریم، ۱۵): درود بر او، آن روز که به دنیا آمد و آن روز که می‌میرد و آن روز که زنده برانگیخته می‌شود. این درودها در مناسبت‌های مختلف در قرآن تکرار شده است مانند: *سَلَامٌ عَلٰی نُوحٍ فِی الْعَالَمِیْنَ* (صافات، ۷۹) سلام علی ابراهیم (صافات، ۱۰۹) *سَلَامٌ عَلٰی مُوسٰی وَ هَارُونَ* (صافات، ۱۲۰) و اشاره شده که این درودها پی آمد کارهای نیک است: *إِنَّا كَذٰلِكَ نَجْزِی الْمُحْسِنِیْنَ* (صافات، ۸۰): ما این‌گونه نیکوکاران را پاداش می‌دهیم. ملائکه نیز بر بهشتیان به واسطه اعمال نیک و صبرشان در دنیا درود می‌فرستند و به بهشت بشارت می‌دهند: *سَلَامٌ*

عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ (الرعد، ۲۴): درود بر شما به [پاداش] آن چه صبر کردید. راستی چه نیکوست فرجام آن سرا. خداوند خود نیز بر اهل بهشت به خاطر اعمال نیکشان درود می‌فرستد: سَلَامٌ قَوْلًا مِنْ رَبِّ رَحِيمٍ (یس، ۵۸): از جانب پروردگار مهربان به آنان سلام گفته می‌شود. درود فرستادن در پی اعمال نیکو در واقع نوعی تأیید و توجه ویژه به آن عمل و تشویق فرد برای استمرار و دوام رفتار پسندیده است.

● وعده نیکو

یکی دیگر از شیوه‌های قرآنی تشویق، وعده‌های نیکو است. این وعده‌ها ممکن است مادی یا معنوی باشد. اگر متربی بداند تلاش او مورد توجه بوده و نتیجه نیکویی دارد، با توانایی دو چندان کار خواهد کرد. وعده‌هایی که خداوند به مؤمنان و شایستگان می‌دهد را می‌توان در سه دسته بیان نمود:

۱. **وعده مادی:** وَعَدَ اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَ مَسَاكِنَ طَيِّبَةً (توبه، ۷۲): خداوند به مردان و زنان با ایمان، باغ‌هایی از بهشت وعده داده است که از زیر درختانش، نهرها جاری است. در آن جاودانه خواهند ماند و خانه‌های پاکیزه‌ای است. بر شمردن تمام نعم مادی بهشتی، که تعداد آنها در قرآن تقریباً دو برابر عذابهای جهنمی است (گنجه ای، ۱۳۹۵، ج ۳، ۲۵۷) در این دسته قرار می‌گیرد.

۲. **وعده معنوی:** وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَ أَجْرٌ عَظِيمٌ (مائده، ۹): خداوند، به آنان که ایمان آورده و کردار شایسته انجام داده‌اند، وعده آمرزش و پاداش بزرگ داده است.

۳. **وعده خلافت:** وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ (نور، ۵۵): خداوند به کسانی که شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند وعده می‌دهد که به یقین، آنان را حکمران روی زمین خواهد کرد.

البته باید چیزهایی را وعده داد که توان انجام دادن آن وجود داشته باشد. و از وعده‌های انجام ناشدنی پرهیز کرد. و باید حتماً به وعده‌ها وفا نمود. وفا نکردن به وعده، اعتماد متربی را به مربی کاهش می‌دهد و او را برای ادامه فعالیت خویش سرخورده و ناامید می‌گرداند.

ج. شیوه عاطفی

بسیاری از شیوه‌های تشویقی ممکن است تنها با گفتار یا رفتار، فرد را به رفتار نیک، دل گرم سازد. اعتمادسازی، و محبت ورزیدن از شیوه‌هایی است که کاستی‌های عاطفی و روانی موجود در روحیه‌ی متربی را جبران می‌کند و او را به مسیر درست رهنمون می‌سازد. قرآن کریم از این شیوه تشویقی به‌طور گسترده برای تربیت انسان‌ها بهره برده است. در ادامه به بعضی از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

● محبت ورزی

خدای متعال با ابراز محبت نسبت به کسانی که به فضایل و کرامات اخلاقی آراسته‌اند در واقع همگان را به تلاش برای رسیدن به این مقامات تشویق می‌نماید.

۱. **إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ** (بقره، ۱۹۵ و مائده، ۱۳): همانا خداوند، نیکوکاران را دوست دارد.

۲. **إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ وَيُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ** (بقره، ۲۲۲): همانا خداوند، توبه کنندگان و پاکان را دوست دارد.

۳. **فَإِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ** (آل عمران، ۷۶ و توبه، ۷): همانا خداوند، پرهیزکاران را دوست دارد.

۴. **وَاللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ** (آل عمران، ۱۴۶): همانا خداوند، بردباران را دوست دارد.

۵. **إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ** (آل عمران، ۱۵۹): همانا خداوند، توکل کنندگان به او را دوست دارد.

۶. **إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ** (مائده، ۴۲ و حجرات، ۹): همانا خداوند، انسان‌هایی را که با عدل و انصاف رفتار می‌کنند، دوست دارد.

آشکار است که محبوب قرار گرفتن برای انسان، ارزش فوق العاده‌ای دارد. بدین ترتیب، فرد به آرامش روانی دست می‌یابد و با برآورده شدن نیازهای عاطفی‌اش، به سوی خیر و صلاح، هدایت می‌شود (طوسی، ۱۳۷۷: ۷۶). به همین دلیل اولیا و مربیان و مسئولان تربیتی باید بکوشند از این شیوه بیشتر بهره گیرند؛ زیرا انسان‌ها بر حسب فطرت و سرشت ذاتی خود دوست‌دار محبوبیت و احترام

هستند. انسان‌ها می‌خواهند کرامت و ارزش انسانی‌شان نزد دیگران حفظ شود. از این رو، با افرادی که شخصیت‌شان را تکریم می‌کنند، و برای آنان، حرمتی بیش‌تر قایل هستند، خالص‌تر و صمیمانه‌تر ارتباط برقرار می‌کنند. بدین‌سان یکی از روش‌های تشویق در قبال انجام وظیفه‌ی یک فرد آن است که به او بفهمانیم او را دوست داریم.

● کرامت بخشی

خداوند در قرآن انسان را گرامی داشته و او را بر همه موجودات برتری بخشیده است: *وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ (الإسراء، ۷۰)*: و به راستی ما فرزندان آدم را گرامی داشتیم.

مقصود از تکریم اختصاص دادن به عنایت و شرافت دادن به خصوصیتی است که در دیگران نباشد، و با همین خصوصیت است که معنای "تکریم" با "تفضیل" فرق پیدا می‌کند، چون تکریم معنایی است نفسی و در تکریم کاری به غیر نیست، بلکه تنها شخص مورد تکریم مورد نظر است که دارای شرافتی و کرامتی بشود (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۳: ۲۱۵). پس هر کسی را در هر شرایطی تنها به جهت انسان بودنش می‌توان مورد تکریم قرار داد، به خلاف تفضیل که در مقایسه با دیگران و در ازای برتری او صورت می‌گیرد.

اگر شرافت و کرامت درونی در انسانها تربیت شود و مورد احترام قرار گیرد سبب رشد و شکوفائی درونی او شده و فردی کریم و بزرگواری می‌سازد که وجود نفیس و ارزشمند خود را از هر گونه پستی و آزار و اذیت دور داشته و دارای مقامی والا و شخصیتی بزرگ خواهد شد که باعث تحولی عمیق در جامعه می‌گردد، اما اگر به این شرافت و کرامت ذاتی انسانها توجه نشده و به دست فراموشی سپرده شود، خفت، پستی و رذالت جای آن را گرفته و شخصی که شرافت و ارزشمندی خود را باخته از انجام هیچگونه عمل زشتی ابا ندارد، و به هر پستی و رذالتی تن می‌دهد و باعث آزار خود و دیگران می‌شود، به همین جهت است که در تربیت اسلامی باید سعی شود این کرامت خدادادی نهفته در وجود انسانها شکوفا گردد و به هر شخصی فرصت داده شود که استعدادهای درونی خود را به معرض نمایش گذارد.

د. شیوه ارزشی (معنوی)

شیوه ارزشی به باورها و ارزش‌های فرد تکیه دارد و آنها را مطمح نظر قرار می‌دهد، و می‌تواند هم پاداش‌های معنوی دنیایی را شامل شود، هم پاداش‌های معنوی اخروی را. این تشویق‌ها اگر به سرای آخرت مربوط باشد، نسبت به نعمت‌های بهشتی و اخروی از افق و ارزش بیشتری برخوردار است. و اگر به این دنیا مربوط باشد، از تشویق‌های مالی و مادی برتر است

● در نظر گرفتن جایگاه ویژه

خداوند برای متقین در قیامت جایگاه ویژه‌ای در نظر گرفته است و آن را در قرآن بیان نموده که اشتیاق آنها را برای دستیابی به آن جایگاه دوچندان می‌نماید: *فِي مَقْعَدٍ صِدْقٍ عِنْدَ مَلِيكٍ مُّقْتَدِرٍ* (القمر، ۵۵): در قرارگاه صدق، نزد پادشاهی توانايند.

نشان دادن اعتماد به فرد یا نزدیک کردن او به خود، از این نمونه‌هاست. که در سیره تربیتی ائمه (ع) نیز به خوبی مورد توجه قرار گرفته است. راوی می‌گوید: ابومحمد هشام بن حکم که در آغاز جوانی بود، به جلسه‌ای وارد شد که حضرت صادق (ع) و شماری از اصحاب برجسته، کهن سال و با فضل و دانش ایشان برگرد آن حضرت حلقه زده بودند. چون چشم امام جعفر صادق (ع) به هشام افتاد، از جای برخاست و او را احترام کرد و در بالای مجلس و کنار خود جای داد. این برخورد احترام آمیز حضرت، اعتراض بزرگان را برانگیخت، ولی ایشان هم چنان هشام را تشویق و تمجید کرد و فرمود: وی در استدلال با مخالفان موفق بوده است و با این که سن کمی دارد، ولی از اندوخته‌ی علمی بالایی برخوردار است. بنابراین، سزاوار چنین تشویقی است تا سرمشق دیگران باشد (کلینی، ۱۳۸۳، ج ۱: ۱۷۲) در روایت دیگری دعبل خزاعی - شاعر مشهور اهل بیت (ع) - می‌گوید: «روزی وارد مجلس امام رضا (ع) شدم. حضرت برای من در مجلس خودش جا باز کرد و مرا در کنار خود نشاند. سپس فرمود: ای دعبل! دوست دارم شعری برایم بخوانی. من قصیده‌ام را خواندم. آن حضرت سخت گریست و سپس سرش را به سوی من بالا آورده و فرمود: ای دعبل! روح القدس این دو بیت را بر زبان تو جاری کرد.» (طوسی، ۱۳۷۷: ۷۸) پدر و مادر

و مربیان نیز می‌توانند از این شیوه بهره‌گیرند و کودک و نوجوان را به خود نزدیک کنند و همنشین محفل انس خود سازند. آنان باید کودک و نوجوان را به مجلس‌های بزرگان راه دهند و درخانه با او همراه و هم‌راز گردند. در این صورت است که می‌توانند کرامت ذاتی او را تقویت نموده و از مشکلات خلاف کرامت انسانی بازدارند و برخی مسایل رفتاری را به‌طور غیر مستقیم به او بازگویند.

● ابراز رضایت‌مندی

پس از آن که مربی بر خود سخت‌گرفت و ضوابط را رعایت نمود و به اهداف مورد نظر دست یافت، مربی باید رضایت‌مندی خود را از او اعلام کند. ابراز رضایت مربی تأثیر شگرفی در مربی ایجاد می‌نماید و به او آرامش و اطمینانی می‌بخشد که او را برای موفقیت‌های بعدی توانمندتر می‌سازد. بر همین مبنا است که خداوند برای قوت قلب دادن به مجاهدان از تلاش‌های گذشته آنان ابراز رضایت می‌کند: لَقَدْ رَضِيَ اللَّهُ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ إِذْ يُبَايِعُونَكَ تَحْتَ الشَّجَرَةِ فَعَلِمَ مَا فِي قُلُوبِهِمْ فَأَنْزَلَ السَّكِينَةَ عَلَيْهِمْ وَأَثَابَهُمْ فَتْحًا قَرِيبًا (الفتح، ۱۸): به راستی خدا هنگامی که مؤمنان، زیر آن درخت با تو بیعت می‌کردند از آنان خشنود شد، و آنچه در دلهایشان بود بازشناخت و بر آنان آرامش فرو فرستاد و پیروزی نزدیکی به آنها پاداش داد. این آیه از ثواب و پاداشی خبر می‌دهد که خدای تعالی در مقابل بیعت شجره به مؤمنان ارزانی داشته است؛ زیرا این بیعت باعث تقویت جبهه مسلمانان گردید و مورد رضایت و خواست خدای متعال بود. لذا خداوند برای آنها که در آن لحظه حساس با پیامبر بیعت کردند، پاداش‌هایی در نظر می‌گیرد، از جمله اینکه از آنها راضی شده و همین رضایت تسکین و آرامش را بر قلب‌های آنها نازل می‌کند. رضایت خدا از بنده، بهترین پاداشی است که بنده می‌تواند در دنیا از آن بهره‌مند گردد، به آن شاد گشته و برای به دست آوردن آن تلاش نماید. رضایت مربی نیز همین کارکرد را برای مربی دارد و شاید بسیار بیشتر از دیگر انواع تشویق کارساز باشد. اعلام رضایت آموزگار و مربی، مربی را خشنود می‌سازد. امیرالمؤمنین علی(ع) درباره یکی از فرماندارانش با ابراز رضایت‌مندی می‌فرماید: فَلَقَدْ

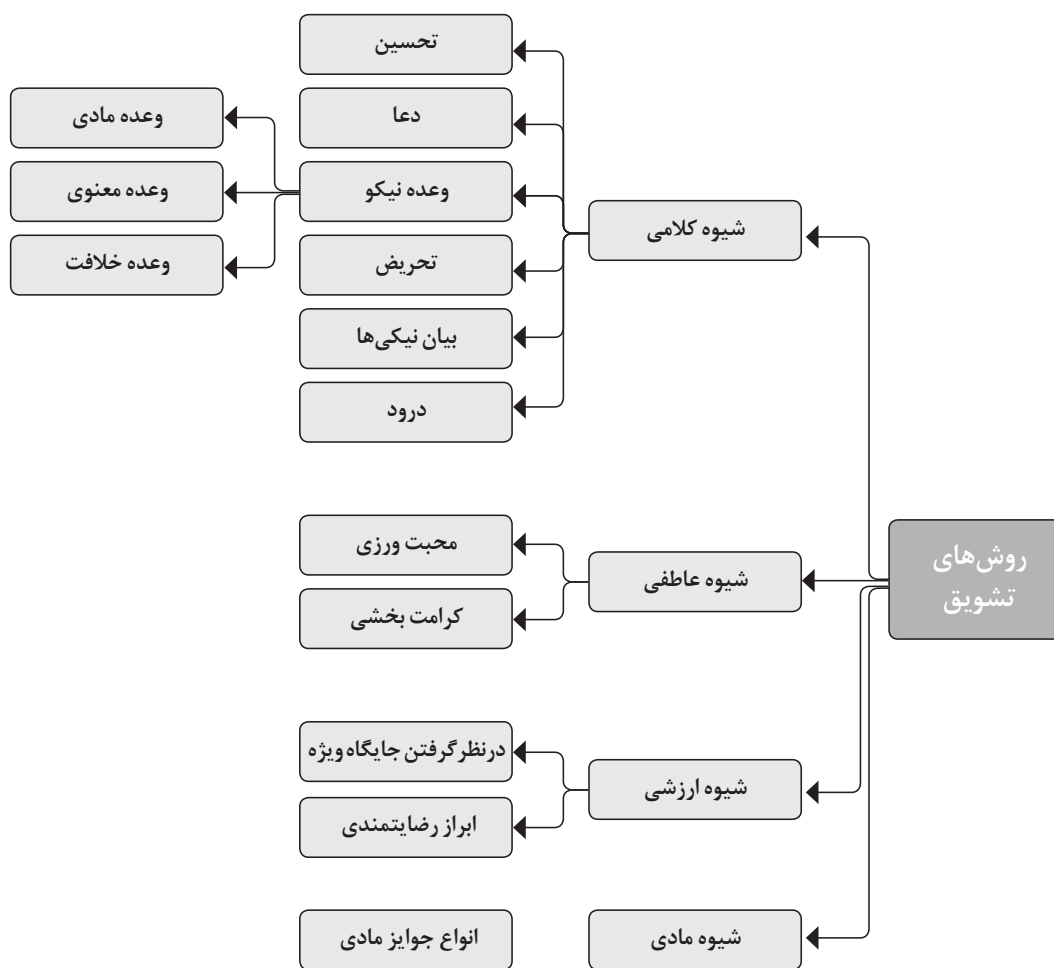
أَحْسَنَتِ الْوَلَايَةَ وَ أَدَيْتِ الْإِمَانَةَ فَاقْبَلِ غَيْرَ ظَنِينٍ وَ لَامْلُومٍ، وَ لَا مُتَّهَمٍ وَ لَا مَأْتُومٍ فَلَقَدْ أَرَدْتُ الْمَسِيرَ إِلَى ظُلْمِهِ أَهْلِ الشَّامِ، وَ أَحَبَبْتُ أَنْ تُشْهَدَ مَعِيَ، فَانْكَ، مِمَّنْ أَسْتَظْهَرُ بِهِ عَلَى جِهَادِ الْعَدُوِّ، وَ أَقَامَهُ عَمُودِ الدِّينِ (نهج البلاغه، ۱۴۱۴: ۴۱۴): تو به خوبی فرمانروایی کرده‌ای و امانت را به جای آورده‌ای، پس بی آن که مورد کم‌ترین بدگمانی و ملامتی باشی، یا اتهام گناهی درباره‌ی تو مطرح باشد، به سوی ما بیا، حقیقت این است که به سوی ستم‌گران شام آهنگ کرده‌ام و دوست دارم تو نیز همراه من باشی، زیرا تو از کسانی هستی که به خواست خدا، در جهاد با دشمن و برپاداشتن ستون دین بر تو تکیه دارم.

البته تحسین باید به اندازه باشد تا در رشد، فرد نقش مثبت خود را ایفا کند. امیرمؤمنان علی (ع) در این باره فرموده است: **الْتَّنَاءُ بِأَكْثَرٍ مِنَ الْإِسْتِحْقَاقِ مَلَقٌ** (نهج البلاغه، ۱۴۱۴: ۵۳۵): ستایش بیش از استحقاق، چاپلوسی است.

ب. شیوه مادی

بسیاری از افراد با پاداش‌های مادی بیشتر ترغیب و تشویق می‌شوند، در قرآن کریم نه تنها در این دنیا، بلکه در سرای آخرت نیز با پاداش‌های مادی می‌کوشد افراد را به سوی کردار نیک گرایش دهد. در آیاتی از قرآن کریم برای ایمان و تقوا، پاداش‌های مادی بیان شده، و بدین وسیله افراد برای رسیدن به هدف مورد نظر تشویق می‌شوند: **وَ لَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ ﴿٩٦﴾** و اگر مردم شهرها ایمان آورده و به تقوا گراییده بودند، قطعاً برکاتی از آسمان و زمین برایشان می‌گشودیم. نیز در قرآن به پاداش‌های مادی اخروی اشاره شده است: **وَ السَّابِقُونَ السَّابِقُونَ أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ... وَ فَاكِهِهِ مِمَّا يَتَخَيَّرُونَ وَ لَحْمِ طَيْرٍ مِّمَّا يَشْتَهُونَ وَ حُورٍ عِينٍ كَأَمْثَالِ اللُّؤْلُؤِ الْمَكْنُونِ جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (واقعه، ۱۰-۲۴):** سابقون پیش‌گامند، آنان مقربانند. در باغ‌های پر نعمت بهشت (جای دارند)... میوه‌هایی از هرگونه که انتخاب کنند و گوشت پرنده از هرگونه که مایل باشند. همسرانی از حورالعین دارند، همچون مروارید در صدف پنهان. این‌ها پاداشی است در برابر کرداری که انجام می‌دادند. برای این بخش مثالها و نمونه‌های فراوانی در قرآن وجود دارد. آیات ۴۱ تا ۴۹ سوره صافات دسته دیگری

از نعمت‌های مادی بهشت را نام می‌برد و افراد را برای انجام عمل صالح به وسیله آن تشویق می‌کند. پاداش‌های مالی و مادی در سیره‌ی تربیتی معصومین(ع) نیز جایگاه ویژه‌ای داشته است. در روایتی آمده است در زمان ولیعهدی امام رضا(ع)، دعبل و ابراهیم - دو تن از شاعران اهل بیت(ع) - خدمت امام رضا(ع) رسیدند و قصیده‌های خود را خواندند؛ امام رضا(ع) نیز بیست هزار درهم از درهم‌هایی که به نام ایشان ضرب شده بود، به آنان عطا فرمود (ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج ۲: ۲۶۵).



نمودار شماره ۳. روش‌های تشویق در قرآن

بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف کشف و شناخت نظر قرآن کریم درباره اولویت تشویق یا تنبیه با توجه به علم تقدیم و تأخیر به‌عنوان یکی از علوم قرآنی انجام شده است. یافته‌های حاصله به اولویت روش تبشیر و تشویق نسبت به انذار و تنبیه اشاره دارد.

تحقیقات روان‌شناسی ثابت کرده، بین آنچه بر زبان جاری می‌شود و آنچه در ذهن می‌گذرد پیوندی عمیق وجود دارد. جملات پیش از آنکه بر زبان جاری شوند در ذهن انسان بر حسب معانی خود ظاهر می‌شوند و ذهن در تنظیم و چینش واژه‌ها نقش دقیقی را ایفا می‌نماید. ترتیب و نظم در سخن نتیجه ترتیب و نظم ذهنی است و جملات و کلمات دقیقاً مطابق با هدف گوینده در گفتار ظهور می‌یابد. هر چه گوینده حکیم‌تر و توان‌تر باشد گفتارش نیز از استحکام و قدرت بیشتری برخوردار است. بر همین اساس آیات و کلمات قرآن کریم که کلام خدای قادر و حکیم است در نهایت اتقان و استحکام، دقیقاً بیانگر مقصود و منظور خداوند است. هرچند تقدیم و تأخیرها در ایجاد نظم و هارمونی کلام بسیار مؤثرند، ولی در قرآن کریم چنین امری تنها به علت ایجاد نظم انجام نشده است و در کنار ایجاد زیبایی و هارمونی حتماً دارای پیامرسانی و بلاغت معنایی نیز هست. تقدیم و تأخیرهای قرآنی بتردید دارای حکمتها و پیامهای آموزنده است که نقش مهمی در فهم دقیق آیات قرآن دارد. پیامبر اکرم (ص) و ائمه (ع) همواره به جایگاه الفاظ و تقدیم و تأخیر آنها در جملات کلام خدا توجه داشته و بر اساس آن به بیان جایگاه احکام شرعی پرداخته‌اند. و این محکم‌ترین دلیل برای تجویز بکارگیری علم تقدیم و تأخیر برای استخراج جایگاه و اولویت موضوعات مختلف از نظر خدای تعالی است. مقدم بودن بشارت بر انذار بیانگر اولویت تشویق بر تنبیه در کلام وحی است؛ که در برخی کتب تفسیری نیز به آن اشاره شده است و بیانگر سبقت رحمت خداوند به‌عنوان رب و پروردگار جهانیان بر غضب اوست، که لازم است مورد توجه همه مربیان و دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت قرار گیرد و آن را سرلوحه عمل خود قرار دهند. دو مورد آیات که از قول پیامبر (ص) انذار بر بشارت مقدم شده بیانگر نوعی اختیار برای مربی است، که در صورت لزوم، هنگامی که تشویق اثرگذار نباشد و یا به دلیل شرایط ویژه، فراگیر را نتوان از راه تشویق به سوی اهداف تربیتی پیش برد، مربی می‌تواند به‌طور محدود و موقت از روش تنبیه استفاده نماید. این یافته با پژوهش‌های صادق زاده و بناهان (۱۳۹۱) که بیانگر لزوم همراهی این دو روش تربیتی است (کنار هم قرار گرفتن بشارت و انذار در قرآن)؛ و نظری (۱۳۹۶) که بشارت و انذار را از عوامل بنیادین تربیت شمرده است (فراوانی قابل توجه بشارت و انذار در آیات)؛ و متقی زاده و همکاران (۱۳۹۶) که تشویق و تنبیه را دو روش مهم تربیتی دانسته که به‌عنوان عامل

و محرکی قوی در تربیت عمل می‌نمایند؛ و به‌طور ویژه با پژوهش شریفی و جعفری نسب (۱۳۹۴) که بیانگر موفقیت بیشتر تشویق نسبت به تنبیه در نهادینه سازی اخلاق در قرآن کریم است کاملاً مطابق است. در واقع قرآن نتایج این تحقیقات را تأیید می‌نماید. همچنین با پژوهش‌های موجود در ایران (توحیدی، ۱۳۷۱) که نشان داده‌اند استفاده از روش‌های تشویقی نتایج رضایت بخشی به دست می‌دهد و با نظریه‌های روان‌شناسی مثبت‌گرا که تقویت‌کننده‌های مثبت را مهمترین عامل افزایش و ادامه رفتارهای فرد در زندگی روزانه می‌داند هماهنگ است.

دیگر یافته این پژوهش مربوط به روش‌های تشویقی قرآنی است که بر اساس تحلیل آیات با توجه به نوع و محتوای پاداش روش‌ها در دسته‌های چهارگانه کلامی، مادی، عاطفی، و ارزشی دسته‌بندی شد. که عبارتند از: تحسین، ابراز رضایتمندی، دعا، تحریض، بیان کارهای نیک، درود، و وعده دادن که از روش‌های کلامی تشویق است. محبت ورزی، و کرامت بخشی از شیوه‌های عاطفی، و در نظر گرفتن جایگاه ویژه، و ابراز رضایت از جمله مهمترین شیوه‌های ارزشی است که این پژوهش بدان دست یافته است. روش‌های مادی نیز همواره مورد توجه قرآن بوده که طیف گسترده‌ای از انواع جوایز مادی و مالی را در بر می‌گیرد. یافته‌های این بخش هماهنگ و تکمیل‌کننده یافته‌های متقی زاده و همکاران (۱۳۹۶) است که در صدد ارائه راه و روش درست تشویق و تنبیه از دیدگاه قرآن کریم بوده‌اند. نیز با یافته‌های صادق زاده و بناهان (۱۳۹۱) که رغبت برانگیزی را از فنون تربیتی متناسب با روش تبشیر می‌دانند کاملاً هماهنگ است. چرا که همه روش‌های قرآنی موجب رغبت‌انگیزی و تلاش مضاعف برای رسیدن به هدف می‌گردد. بر این اساس ضروری است سازمان آموزش و پرورش، اولیای دانش‌آموزان، و معلمان، توجه ویژه‌ای به مسأله تشویق معطوف دارند تا در چگونگی روابط اولیای مدارس و معلمان با دانش‌آموزان تغییرات مثبتی ایجاد شود. دو مورد آیات، مقدم شدن انذار از قول پیامبر(ص)، استثنایی است که باید به‌عنوان تبصره برای معلمان و مربیان در نظر گرفته شود، که در موارد خاص و به‌طور بسیار محدود بتوانند از این رویکرد نیز استفاده نمایند.

هنگامی که تربیت بر پایه تشویق و تبشیر پی ریزی شود، تربیت با فطرت و جبلت هماهنگ شده و این خود مقدمه‌ای برای همکاری و همیاری بیشتر فراگیران در امر تعلیم

و تربیت و جلوگیری از مقاومت آنها در برابر اهداف تربیتی است. با این روش ترس و دلهره تبدیل به مهر و دوستی میان معلم و شاگرد، و مربی و متربی می‌گردد و تعلیم و تربیت عاشقانه و مهرورزانه جایگزین تعلیم و تربیت ترس مدارانه می‌گردد؛ و این خود قدمی بزرگ برای دستیابی به اهداف تربیتی مخصوصاً در سال‌های نخست زندگی و در دوره‌های آموزش و پرورش رسمی و عمومی است؛ چراکه تربیت در این سال‌ها همچون نقش زدن بر روی سنگ از ثبات و دوام بیشتری برخوردار است. تشویق، مخصوصاً در دوره ابتدایی اثری ژرف و عمیق بر روح و روان فراگیران دارد و به دلیل ماندگاری آن در ذهن و روان فراگیر، چه بسا سرنوشت او را در تمام مسیر زندگی تحت تأثیر قرار داده، و سبب اعتماد به نفس و قوت روحی و روانی او برای مقابله با سختیها و مشکلات در مراحل مختلف زندگی گردد. بر خلاف تنبیه که می‌تواند آنچنان تأثیر منفی بر فرد بگذارد که تا پایان عمر از هر نوع تعلیم و تربیت فراری گردد.

از سوی دیگر در اولویت قرار دادن تشویق، تأسی به روش خدای تعالی در قرآن کریم و بهترین روش تربیتی است. زیرا توسط خدایی تبیین و برنامه‌ریزی شده که به تمام ریزه کاریهای وجودی انسان به خوبی آگاه است، از نیازهای جسم و روح و جان او آگاه است، و با علم و قدرت بی مثال خود بهترین شیوه را برای رشد و بالندگی او بر می‌گزیند. معلمان و مربیان نیز با رویکرد تشویقی بهتر و سریعتر می‌توانند به پیشرفت اهداف تربیتی دست یابند. لازم است این امر در همه سیاست‌هاگذاریها و برنامه‌ریزی‌های آموزش و پرورش به کار گرفته شود. در همه برنامه‌های آموزش و پرورش رویکرد تشویق در اولویت قرار گیرد. شایسته است که فکر و زبان معلمان فکر و زبانی تشویقگر باشد. علاوه بر تشویق‌های کلامی این اولویت می‌تواند با مطرح کردن تشویق به اشکال مختلف و سازنده متناسب با نیازها و خواسته‌های دانش‌آموزان به صورت مادی، معنوی و یا عاطفی در تمامی سطوح صورت گیرد.

از این رو نتیجه این پژوهش می‌تواند قدمی بزرگ در راه تغییر و اصلاح اولویت‌های تربیتی، و سیاست‌هاها و برنامه‌ریزی‌های آموزش و پرورش رسمی و عمومی باشد. ضمن اینکه به کارگیری علم تقدیم و تأخیر، و استخراج اولویت‌های قرآن در سایر موضوعات در حوزه‌های مختلف تعلیم و تربیت، و اجرای آن در آموزش و پرورش، می‌تواند تا حدود زیادی به اسلامی شدن تعلیم و تربیت به معنای واقعی، و ساختن جامعه

ایده‌آل قرآنی کمک نماید. بررسی آثار تشویق و تنبیه در آیات قرآن، همچنین کشف و استخراج موارد جواز تنبیه از متن و فحوای آیات قرآن موضوعات دیگری است که انجام آن توسط پژوهشگران می‌تواند چرایی اولویت تشویق و حدود تنبیه را به خوبی تبیین نماید. البته استخراج مفاهیم تربیتی از آیات قرآن نیازمند توانایی ویژه در فهم کلام خداوند است که به توجه به حجم این کتاب، جنبه اعجازگونه آن، و باطن آیات به راحتی قابل دستیابی نیست و عدم احاطه بر تمام آیات همواره محدودیت‌هایی را به همراه دارد، که ناتوانی در احصاء همه آیات مرتبط در هدف دوم، و نیز کمبود منابع تفسیر تربیتی برای هدف اول این پژوهش از جمله آنهاست.

منابع

- قرآن کریم. (۱۳۷۶). ترجمه محمد مهدی فولادوند. تهران: دارالقرآن الکریم.
- نهج البلاغه. (۱۴۱۴). گردآورنده سید شریف رضی، محقق صبحی صالح. قم: هجرت.
- ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۳۷۸). *عیون اخبار الرضا (ع)*. تهران: جهان.
- آذرنوش، آذرتاش. (۱۳۸۴). *فرهنگ معاصر عربی-فارسی*. تهران: نشر نی.
- آریانپور، عباس و آریانپور، منوچهر. (۱۳۷۸). *فرهنگ دانشگاهی انگلیسی-فارسی*. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- الحویزی، عبد علی بن جمعه العروسی. (۱۳۸۴). *تفسیر نورالتقلین*. تصحیح و تعلیق هاشم رسولی محلاتی. قم: دارالتفسیر.
- آیزنک، مایکل؛ کین، مارک ت. (۱۳۹۴). *روان‌شناسی شناختی زبان و تفکر*، ترجمه حسین زارع و مهدی باقرپسندی. تهران: انتشارات ارجمند.
- توحیدی، فریدون. (۱۳۷۱). *تأثیر تشویق و پاداش در میزان کارایی معلمان ابتدایی پایه سوم منطقه ۳ شیراز*. شورای تحقیقات آموزشی.
- جرجانی، عبدالقاهر. (۱۳۶۱). *اسرار البلاغه*، ترجمه جلیل تجلیل. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۴). *تفسیر تسنیم*. قم: مرکز نشر اسراء.
- دل افکار، علیرضا؛ صانعی‌پور، محمد حسن؛ زندی، بهمن؛ ارجمندفر، مهدی. (۱۳۹۳). *تحلیل ساختار کارگفت انذار در قرآن کریم*. پژوهش‌های زیان‌شناختی قرآن، ۳(۱)، ۳۹-۶۰.
- سعیدی روشن، محمدباقر. (۱۳۹۱). *تحلیل زبان قرآن و روش‌شناسی فهم آن*. قم: چاپ سبحان.
- سیفعلی‌ئی، فاطمه. (۱۳۹۴). *اخلاق اجتماعی کاربردی*. قم: بوستان کتاب.
- سیوطی، جلال‌الدین عبدالرحمن. (۱۴۲۱). *تفسیر الدر المثور التفسیر بالمأثور*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- شریفی، عنایت‌الله؛ جعفری نسب، سید حسین. (۱۳۹۴). *روش‌های قرآن در نهادینه سازی اخلاق در جامعه*. پژوهشنامه معارف قرآنی، ۶(۲۳)، ۲-۲۵.
- شعاری نژاد، علی اکبر. (۱۳۸۵). *نگاهی نو به روان‌شناسی انسان سالم*. تهران: انتشارات اطلاعات.
- صادق زاده، علیرضا؛ بناهان، مریم. (۱۳۹۱). *رویکردی تربیتی به آیات انذار و تبشیر*. پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، ۲۰(۱۴)، ۷-۲۲.
- الصرصری البغدادی، سلیمان بن عبدالقوی بن عبدالکریم. (۱۴۰۹ق). *الاکسیر فی علم التفسیر*، تحقیق عبدالقادر حسین. بیروت: الدار الأوزاعی.
- طباطبایی، سید محمدحسین. (۱۳۷۴). *تفسیر المیزان*. قم، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- طوسی، اسدالله. (۱۳۷۷). *دیگاه اسلام نسبت به تشویق*. پایان نامه مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی.
- طیب، سید عبدالحسین. (۱۳۷۸). *اطیب البیان فی تفسیر القرآن*. تهران: انتشارات اسلام.
- علوی، سید کامران. (۱۳۹۰). *تفکر و زبان*. تهران: انتشارات پیام نور.
- عون، علی ابوالقاسم. (۱۴۲۶). *بلاغه التقديم و التأخیر فی القرآن الکریم*. بیروت: دارالمدار الاسلامی.
- فراهیدی، خلیل بن احمد. (۱۴۲۵ق). *کتاب العین*. قم: انتشارات اسوه.
- فلاح، ابراهیم؛ نصیری نصرت‌الله. (۱۳۹۱). *معناشناسی تبشیر در قرآن کریم*. فصل‌نامه مطالعات قرآنی، ۹(۳۳)، ۷۳-۹۲.
- فیض کاشانی، ملامحسن. (۱۳۸۷ش). *تفسیر صافی*، ترجمه عبدالرحیم تحقیقی. قم: انتشارات نوید اسلام.
- قمی، علی بن ابراهیم. (۱۴۱۲ق). *تفسیر علی بن ابراهیم قمی*. بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۳۸۳ش). *کافی الاصول و الفروع و الروضه*، تحقیق و تعلیق علی اکبر غفاری. تهران: دارالکتب الاسلامی، ج ۳، نو در تفسیر قرآن. تهران: سخن نو.
- لارنس ترسک، رابرت. (۱۳۸۰ش). *مقدمات زبان‌شناسی*، ترجمه فرار اخلاقی. تهران: نشر نی.
- متقی‌زاده، عیسی؛ شه بخش، آزاده؛ روه، نجمه. (۱۳۹۶). *بررسی روش تربیتی تشویق و تنبیه بر اساس آیات قرآن کریم*. سومین همایش ملی پژوهش‌های نوین در حوزه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی ایران.

- مجلسی، محمدباقر. (۱۳۷۴). *بحار الانوار*. تهران: انتشارات اسلامیه.
- مسیری، منیر محمود. (۱۴۲۶). *دلالات التقدیم و التأخیر فی القرآن الکریم*. قاهره: مکتبه وهبه.
- مصطفوی، حسن. (۱۳۸۰). *تفسیر روشن*. تهران: مرکز نشر کتاب.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۶۸). *مجموعه آثار شهید مطهری*. نرم افزار مجموعه آثار شهید مطهری. مرکز نور.
- ممتحن، مهدی. (۱۳۹۱). *واکاوی نگاره‌های تعلیمی تربیتی تشویق و تنبیه در آثار سعدی*. پژوهشنامه ادبیات تعلیمی، ۴(۱۵)، ۱۷۶-۱۵۷.
- یونسی، حمیدرضا؛ دیالمه، نیکو. (۱۳۹۶). *انذار از روش تا اصل تربیتی*. پژوهشنامه قرآن و حدیث، ۴(۲۱)، ۱۰۵-۱۱۹.